

مرگ بر امپریالیسم
جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا

کارگران همه کشورها
متحد شوید!

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

دوره دوم - سال اول - شماره ۱

اول اسفند ماه ۱۳۶۲ - صفحه ۴۰ - ریال

جمهوری اسلامی در سالی که گذشت

اساسی توده دهقانان زحمتکش، این برضمانترین نیروی اجتماعی محروم کشور ما آغاز شد. درست در آستانه آغاز پنجمین سال انقلاب بهمن این لایحه هفت بار آنگیزه در "شورای نگهبان" رد شد. و آیت الله خمینی هم، از شورای نگهبان که لایحه اصلاحات ارضی را خلاف شرع اعلام کرد، پشتیبانی نموده پس از آن تصریح کرد که مجلس نباید مبرا باشد داشته باشد شورای نگهبان با آن مخالف باشد.

امروز در پایان پنجمین سال پیروزی انقلاب و آستانه آغاز سال نو، دربارنگری کارنامه یکساله جمهوری اسلامی، برجسته تر از هر چیز رشته همپوستگی های از سیاهکاریهایی را می بینیم که مدام شدت بیشتری می یابند. نگاهی هرچند کوتاه، به حرکت و کارنامه جمهوری اسلامی، در پنجمین سال حیات آن، بیوستگی و سمت یگانه و منطق اقدامات حکومت را که متفاد با آماجهای انقلاب بهمن و آرمانهای مردم ایران است، به روشنی نشان میدهد.

دفاع از غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی پنجمین سال انقلاب، نالی که میبایست با تلاشهای گسترده برای تحقق آماجهای اساسی انقلاب بهمن آغاز شود، بارد لایحه اصلاحات ارضی و زیرپا گذاشتن آشکار خواست

"با ایمان به پیروزی راهمان"

بزرگوارانه باد پرچم مبارزه انقلابی طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش ایران

در آستانه سال جدید، نشریه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بعد از دو سال وقفه، بار دیگر حیات انقلابی خود را آغاز میکند و انتشار نشریه "کار" نویدی است، امید بخش برای همه انقلابیون راستین خلق در سال نو.

فرا رسیدن سال جدید را به نیروهای مترقی و انقلابی و به همه مردم ایران تبریک می گوئیم و امیدواریم نشریه کار، این پرچم مبارزه انقلابی زحمتکشان ایران، در سال نو همه سالهای مبارزه انقلابی مردم بتواند همچنان سلاح نیرومند طبقه کارگر، سازمانگر مبارزه انقلابی و زبان گویا و حق جوی توده های وسیع خلق ما باشد.

دوره دوم نشریه کار درست زمانی آغاز میشود که حدود ۵ سال از انتشار اولین شماره آن (۱۹ اسفندماه ۱۳۵۷) و دو سال از توقیف آن می گذرد. نشریه "کار" دو سال پیش در روز ۱۱ اسفند ۱۳۶۰ به حکم دادستان "انقلاب اسلامی" مرکز توقیف گردید. مقامات دادستانی علت توقیف "کار" را درج مقالات و مطالبی در اعتراض به اقدامهای طبقه در صفحه ۲

اعلامیه مشترک

کمیته مرکزی حزب توده ایران و
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
درباره انتخابات
دوره دوم مجلس شورای اسلامی

در صفحه ۳

"انتخابات آزاد"

یا
تحمیل مجلس تجار

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران درباره انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی انتشار یافت. اعلامیه پیرامون نقشه های حکومت در مورد انتخابات میگوید: "رژیم خود را آماده مبارزه تاجا حربه ارباب و تهید، با سو استفاده از اعتقادات پاک مذهبی و با توسل به تقلب و تعویض صندوقهای انتخاباتی به فهرست تحمیلی و انتصابی رنگ انتخابی بزند. در اعلامیه در مورد خفقان و ترور حاکم سر کشور آمده است: "خفقان و ترور برمیهن ما سایه افکنده، ارگانهای سرکوبگریک تاز میدان اند، قلمها را شکسته و زبان ها را بسته اند. دهها هزار توده ای و فدایی و مجاهد، مبارزین واقعی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در سیاهچالهای رژیم تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی قرار دارند. اعلامیه از مردم دعوت میکند: "به فهرست نامزدهای ارائه شده از طرف نهاددهای وابسته به حکام جمهوری اسلامی سازمانهای مربوط به آنها رای مخالف بدهید."

رهبران جمهوری اسلامی ادعا میکنند که طبقه در صفحه ۸

فدائیان خلق

و مسئله فعالیت انقلابی
پرسنل نیروهای مسلح

در صفحه ۴

تلگرام تبریک

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
رفقای گرامی!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، انتخاب رفیق کنستانتین استیوویچ چرننکو کمونیست برجسته و شخصیت نامدار حزب لتین را به مقام دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صمیمانه تبریک میگوید.

مبارزه در راه تامین صلح جهانی و استحکام جامعه ملل سوسیالیستی و تقویت بنیه اقتصادی و قوای دفاعی میهن لتین کبیر و بهبود دانش زندگی مردم اتحاد شوروی، اشاعه و گسترش خلاقانه افکار و اندیشه های تابناک مارکسیسم - لنینیسم و تقویت نقش حزب در زندگی مردم شوروی، بیانگر کارنامه درخشان رفیق کنستانتین چرننکو است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران آرزو و اطمینان دارد که حزب کمونیستها و تمام خلق شوروی تحت رهبری رفیق کنستانتین استیوویچ چرننکو به موفقیتها ی بازم بزرگتری دست می یابد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۵ بهمن ماه ۱۳۶۲

در این شماره:

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
بمناسبت بزرگاری موفقیت آمیز هیجدهمین یلنوم
کمیته مرکزی حزب توده ایران

در صفحه ۱۲

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران
بمناسبت سیزدهمین سالگرد بنیان گزاری
سازمان فدائیان خلق ایران

در صفحه ۱۱

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
احکام جنایتکارانه علیه افسران میهن پرست را
محو می کنیم!

در صفحه ۱۵

تلگرام تسلیت کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
بمناسبت درگذشت
رفیق یوری ولادیمیروویچ آندرویف

در صفحه ۱۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
بمناسبت
۸ مارس (۱۷ اسفند) روز همبستگی بین المللی زنان

در صفحه ۵

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند

"با ایمان به پیروزی راهمان"

نقیه از صفحه ۱

جنایتکارانه و دهنشانه در اوین اعلام کردند. اما این فقط، گوشه ای از حقیقت بود. شریبه، کار در عرشه سال عمر خود با شهادت و شجاعت شمت دوستان دروغین خلق را باز کرد و خلق را به اتحاد برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و گسترش آنها فرا میخواند. این کارنامه، درخشان و شورانگیز "کار" بود که راه آنرا به خائنانه زحمتکشان باز و بازرتر میکرد و خشم و نفرت دوستان دروغین خلق و دشمنان سوگندخورده آن را بر می انگیزت.

ما خوب میدانستیم که افشای بی پرده، امپراتورهای ما، قطب زده ها، مدنی ها، شریعتمداریها، مقدم مراغه ای ها و باز کردن مشت توکلی ها، عسکروادلی ها و دیگر مرتجعین راستگرا اعم از روحانی و غیر - روحانی، مبارزه بیکبر علیه اقدامات جلادانه ای که از سال ۶۰ به بعد در اوین انجام شده است، رهبران جمهوری اسلامی را علیه "کار" و علیه هستی انقلابی سازمان ما برمی انگیزد. ما میدانستیم که معرفی سوبالیسم بمانه یگانه راه راهائی از جنگال همه، دردها زسوی محافل امپریالیستی و عمال داخلی و سرمایه داری غارتگر بر سی پاسخ نخواهد ماند.

"نامه مردم" ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز ماها قبل از "کار" حکم توقیف گرفته بود. توقیف مردم نیز فقط به دلیل دفاع از استقلال کشور، دفاع از آزادیهای مردمی، مبارزه در راه عدالت اجتماعی و دفاع از منافع کارگزاران و دهقانان بوده است.

توقیف "نامه مردم" و شریبه "کار" و تمام رویدادهای بعدی، که تا امروز نیز ادامه یافته است، همگی نشان دهنده آنچه دشمنی راستگرایان و سرکوبگران را علیه ما برانگیخته است، خدمات ما در راه خلق و انقلاب و هراس آنان از عملکرد انقلابی و قدرت آگاه و جریان ساز و توده گیر "کار" و "مردم" بوده است. رهبران جمهوری برای متوقف کردن انقلاب و برگرداندن جهت آن می بايست پيشاپهنگ طبقه کارگر ایران، فدائیان و توده آنها را مورد هجوم قرار میدادند. مگر نه اینکه آنها در این انقلاب خاکریز اول اند؟

حدود یکسال قبل از توقیف کار، زمانی که اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستانی کسل "انقلاب اسلامی" انتشار یافت، ما با قاطعیت از آن استقبال کردیم. صدور این اطلاعیه یک اقدام مفید بود. اما قابل ذکر است که رهبری سازمان بر اساس مجموعه شناخت خود از ترکیب و تناسب نیروها در خاکمیت، بر این عقیده بود که بحران درونی حکومت و موقعیت خاص آن زمان، این حد از حقوق و آزادیهای سیاسی را برای مدافعان انقلاب فراهم کرده است. مفاد اطلاعیه ۱۰ ماده ای، در حقیقت حاوی برداشته شدن بخشی از قانون اساسی و سایر مواضع است. اما ما با قاطعیت و قاطعیت فرا تر از لایحه اجزای بود. تهدات متدرج در این اطلاعیه در عین حال، یک شکست برای نیروهای دست راستی و سرکوبگر و یک پیروزی برای نیروهای مداخله انقلاب بود. به همین لحاظ احساس مسئولیت انقلابی و وفاداری به آرمانهای انقلاب ایجاب میکرد که:

- اولاً - با تمام نیرو و مادقانه در جهت تشبیت این پیروزی و گسترش آن مبارزه شود.
- ثانیاً - از این شرایط برای گسترش پیوند نیروهای مدافع انقلاب با توده های وسیع خلق، حداکثر استفاده به عمل آید.
- ثالثاً - این احتمال نیز دقیقاً در نظر گرفته شود که فردا با تغییر شرایط ممکن

است حکومت تمام با بخشی از تعهدات خود را که در اطلاعیه ده ماده ای اعلام داشتند است، پس بیکرد و لگدمال کند میباید برای چنین شرایطی کاملاً آماده بود.

این جمع بندی، در عین حال با تحلیل عمومی سازمان در روند بفرنج انقلاب و خط مشی مبتنی بر آن سازگار بود. امید به پیشرفت انقلاب، که در آن زمان هنوز قابل اتکا بود و نیازهای مبارزه در این راه از یک سو و از سوی دیگر خطر توقف و برگشت انقلاب، که آن هم بطور جدی در همان زمان هم مطرح بود، و ملاحظات دودراندیشی - های سیاسی و سازمانی، در آن واحد، در برابر یکدیگر قرار داشتند. سازمان می بايست در آن واحد هر دوی این احتمالات را در نظر میگرفت.

زمینه های عینی و ذهنی معینی، امید به پیشرفت انقلاب، در حد اجرای اصول مترقی قانون اساسی را تقویت میکرد. مسئولیت انقلابی و جهت گیری انقلابی، تقویت هر چه بیشتر این زمینه ها را ایجاب میکرد.

تاکتیک انقلابی، یعنی اشکال مبارزه و اشکال سازمانی می بايست در خدمت همین جهت گیری قرار میگرفت. در چنان موقعیتی اشکال قانونی مبارزه نه تنها امکان پذیر، بلکه مطلقاً ضروری بود. این شکل مبارزه میبایست اساسی کار همه سازمانها و احزاب مدافع انقلاب قرار میگرفت. در عین حال دوراندیشی انقلابی حکم میکرد که خط تغییر اوضاع و دگرگونی سیاست حاکم بر کشور دقیقاً محاسبه شود و آماده گویی لازم از هر جهت، برای ادامه فعالیت انقلابی و دفاع از دستاوردهای انقلاب، تا هر حد ممکن تعادارک دیده شود. تلفیق صحیح این دو وظیفه امری بسیار بفرنج و بسیار دشوار بود. این تلفیق بطور کلی همان تلفیق دو شکل مبارزه عینی و مخفی است. دو شکلی که تلفیق آن برای ما انقلابیون، تا پیروزی قطعی و بازگشت نا پذیر انقلاب همواره مطرح است. اما در آن شرایط خاص تلفیق این دو وظیفه عمدتاً از وجود دو آینده متضاد برای انقلاب و کشور ناشی می شد. به همین دلیل تلفیق صحیح این دو وظیفه نه تنها اهمیت تاکتیکی فوق العاده ای داشت، بلکه اساساً، دارای اهمیت استراتژیکی بود.

سازمان ما در تدوین خط مشی خود بر اساس "اتحاد و مبارزه" با بفرنجیها و دشواریهای بسیار جدی مواجه بود. سازمان ما بکطرف با بیکبری تمام به کار فعال در میان توده زحمتکشان و جنبه آنان به صفوف سازمان و تقویت پیوند با آنان میپرداخت. کاری که حساسیتها، مخالفتها و اقدامات حادی از طرف حکومت و فدائیان انقلاب را برمی - انگیزت - و از طرف دیگر با بیکبیری و استواری به حمایت خود از نیروهای سازمان و مردمی حاکمیت ادامه میداد. سازمان از یک طرف در همه جا برنامهمس و سیاست طبقه کارگر را تبلیغ و ترویج میکرد، امری که مخالفت و حساسیت و حتی دشمنی حاد نیروهای حاکم را برمی انگیزت و از طرف دیگر با بیکبیری و استواری از مسوود ترقیخواهان، قانون اساسی دفاع میکرد. سازمان، نه از کار توده ای و جلب توده ها به طرف خود دست کشید، نه سازمان را منحل کرد، نه از پشتیبانی از دیگر مدافعان انقلاب و مواضع ترقیخواهان آنان صرف نظر کرد و نه در هیچ مورد از برنامه سازمان به نفع برنامه عمل دیگر نیروهای اجتماعی (حتی انقلابی) دست شست. در مسائل تاکتیکی نیز سازمان با حداکثر انعطاف پذیری تلاش کرد از عهده حل انبوه دشواریها برآید.

حکومت جمهوری اسلامی، به تعهدات خود

که در اطلاعیه ده ماده ای آن را اعلام کرده بود، وفادار نماند. نه تنها طولی نکشید که بحث آزاد تلویزیونی، حق برگزاری اجتماعات و تظاهرات، حق داشتن دفاتر و مراکز علمی و حق انتشار رسمی "کار" از سوی حکومت لغو شد، بلکه بطور آشکار شناسایی و اخراج و تصفیه اعضا و هواداران سازمان در مرحله بعد پیگرد و بازداشت اعضا و هواداران و سرانجام زندان و شکنجه آنان شروع شد.

توقف انتشار "کار"، هرگز نتوانست کار تبلیغ و ترویج سازمان را متوقف کند. "بولتن" بلا فاصله جای خالی "کار" را تا حد ممکن پر کرد. روش بینابینی حکومت این روش بینابینی ما را ایجاب نمیکرد.

اکنون جمهوری اسلامی مدتهاست که به شیوه های سرکوبگرانه و به خشن ترین شکل ممکن تمام تعهدات خود در اطلاعیه ده ماده ای را لگدمال کرده و نیروهای مترقی و انقلابی را مورد وحشیانه ترین هجوم ها قرار داده است. حکومت بدستال فجایی که از سرورد حزب توده ایران مرتکب شد، اخیراً توطئه - های جدیدی را علیه سازمان، تعادارک دیده است. دادستان دادگاه شرع ارتش سیاسی مواجهه ای، با طرح عضویت افراد نظامی در سازمان ما گفته است که سازمان از سوی مقامات جمهوری غیرقانونی اعلام خواهد شد. اعضای سازمان میبایست خود را به مقامات مربوطه معرفی کنند! این پرونده سازیها تنها بخاطر انحلال یکی دیگر از استوارترین سنگرهای انقلاب است.

حکومت با این راهی که در پیش گرفته است، فقط بکراه در مقابل مردم قرار داده است. باید سازمانهای سیاسی خود را هرچه محکمتر کنیم و نگذاریم حکومت بر انقلابین کار آزموده و بر تجربه ضربه وارد آورد و چهارچوب تشکل انقلابی را درهم بشکند.

سازمان فدائیان در طی ۱۳ سال حیات انقلابی خود در این عرصه تجارب بسیار گراقتداری آموخته است، امروز همه فدائیان باید برای بکارگیری این تجارب بسیج شوند. باید برای کار توده ای در شرایط تعقیب و پیگرد پلیسی همه این تجارب و حساسیت تازه تر را بکار گیرند. باید سازمان را با تمام نیرو و به هر شکل ممکن حفظ کرد. باید این شرایط سخت را دید و برای رودررویی با آن آماده بود. باید "کار"، این پرچم مبارزه انقلابی و این مدای هدایت گر توده مردم زحمتکش میهن را بلند بکشد.

دشواریهای کار را جان خرید، البته دشمنان طبقه کارگر و توده مردم زحمتکش هرگز در برابر اقدام انقلابی ما ساکت نخواهند نشست. آنها تلاش خواهند کرد، تا ما را با بیکردها و فشارهای خشن و کینه - توزانه از ادامه راه بازدارند. سازمان را فلج کنند و صدای آنها ببرند. آنها خواهند گذاشت ما با سهولت و سادگی حقایق را با مردم خویش در میان بگذاریم. ما نیز آرام نخواهیم نشست. ما با جنگ و دندان، با گذاشتن همه هستی ما، با گذشتن از جان در این راه آماده انجام تمام وظایف انقلابی ما هستیم. همانطور که فردا خواهیم بود، تغییر شرایط تنها اشکال مبارزه را تغییر میدهد. هدف راه همچنان استوار بجای خود باقی است. دیروز "کار" می توانست هر هفته به شکل خبری - تبلیغی پیام ما را به گوش خلق برساند. امروز که این شرایط فراهم نیست، انتقال اخبار و تبلیغ سیاست و مواضع سازمان بر عهده هر یک از هزاران رزمنده فدائی قرار می گیرد. امروز ارگان کمیته مرکزی تنها می تواند ماهانه منتشر شود و عمدتاً وظیفه تبیین خط مشی و تحلیل مهمترین رویدادهای جاری کشور را بر عهده می گیرد. امروز وظیفه انتشار اخبار و تبلیغ سیاست، مواضع و برنامه سازمان، بر عهده هزاران رزمنده فدائی و دیگر تربیونهای تبلیغی است.

نقیه در صفحه ۹

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی

مردم مبارز ایران!

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار می شود، که حقیقتاً و تصور بر همین ماست. آنچه افکنده، ارگان های سرکوبگر بیکه تاز سندان اند، ظلم ها را شکسته و زبان ها را بسته اند، دهها هزار توده ای و فدائی و مجاهد - مبارزین واقعی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در سباهالهای رژیم تحت تکجه های وحیانه حسی و روحی قرار دارند و روزی نیست که احکام جائزانه زندانهای درازمدت و بااعدام میهن دوستان اعلام نگردد.

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی به هنگامی برگزار می شود، که طبقه کارگر از ابتدائترین حقوق محروم است، کارگران گروه - گروه از کارخانه ها اخراج می شوند، بنگاری فراگیر ملیونها زحمتکن، زبان و فرزندان آنان را با گرسنگی و دردی و فقر و مسکنت بیسابقه روبرو ساخته است، دهقانان کم زمین و بی زمین از هستی باقظ شده چاره ای جز مهاجرت به شهرهای بزرگ ندارند، دولت بجای اصلاحات ارضی رادیکال بزرگ مالکان را دوباره بر جان و سالیو ناموس روستائیان مسلط میسازد، زمین های تقسیم شده بین دهقانان را از صاحبان اصلی پس گرفته و به بزرگ مالکان تحویل می دهد، زندانها پر از دهقانان خواهان پایان دادن به سلطه اربابان است، دهها هزار کارمند دانشجوی دگراندیش از ادارات دولتی و دانشگاهها اخراج شده اند، کسبه و افزارسندان تحت فشار روزافزون قرار دارند.

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار می شود، که سران جمهوری اسلامی کلان سرمایه داران وابسته را بسته بازگشت دعوت می کنند و نظام سرمایه داری وابسته را با تمام پیامدهای محراب آن احیا می نمایند، سیاست "دروازه های باز" را در پیش گرفته و با افزایش سریع واردات کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی، صنایع و کشاورزی را دچار بحران ساخته و به سوی ورعکنگی سوق می دهند، اقتصاد ایران به عرصه تاخت و تار انحصارهای امپریالیستی تبدیل شده و خرید تجهیزات نظامی از اسرائیل، کسره جنوبی و ایالات متحده آمریکا به انکسار مختلف ادامه دارد.

حکام جمهوری اسلامی، که بعد از پیروزی انقلاب وعده اخفاق حقوق محرومین را می دادند و از استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی سخن می گفتند و استقرار نظام "سوسیالیستی" را و طیفه عاجل نخستین دوره مجلس شورای اسلامی می شمردند و به توده های محروم

وعده می دادند، چه ارمغانی برای زحمتکنان آورده اند؟ در حالی که فقر و بنگاری و بی خانمانی، تورم و گرسنگی و اختنار، ظلم و جور استبدادی، فساد و رشوه خواری و زدی نسبت المال گسترش می یابد، مستعمران کلان سرمایه دار بازاری، که رهبران جمهوری اسلامی آنها را "ستون انقلاب" می نامند، تنها کسانی هستند که از انقلاب بهره می برند.

هیئت حاکمه، که زمانی امپریالیسم تحاورکار آمریکا را دشمن شماره یک مردم ایران معرفی می کرد، اینک با جرخش به راست به تبعیت از سیاست کمونیسم ستیزی دولت رونالد ریگان، عملاً در حبه واحدی شوروی ستیزی را دنبال می کند و موجبات بزرگی روابط بین دو کشور همایه را فراهم آورده است.

دولت و مجلس تحت کنترل حزب حاکم - حزب جمهوری اسلامی بزرگترین متلعین ادا به جنگ خاموش سور و بی حاصلید، که تاکنون دهها هزار فرزندان کارگران و دهقانان را به نابودی کشیده و با غلبیل و محروم تحویل جامعه داده است. رهبران جمهوری اسلامی که مصممند کرسی های نمایندگانی واقعی مردم را در انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در اختیار کلان سرمایه داران و مالکان بزرگ و ماحیان متغلات قرار دهند، متکربن اصلی شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" اند.

زیرا ادا به جنگ هم منبع بود شرار برای ماحیان ثروت و هم منبع درآمد نامشروع برای گردانندگان اهرمهای مملکتی از طریق زرد و بندهای پست برده با قاچاقچیان و انحصارهای بین المللی فروشندهگان الحاحه است.

خواهران و برادران!

رژیم پس از عرقناوونی کردن فعالیت همه اجزای ملی و مترقی و خدا نیربالیستی و از آنجمله حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر سازمانهای انقلابی، خود را آماده مبارزه با بحربه ارباب و تشدید با سوء استفاده از اعتقادات پاک مذهبی و با تویل به تقلب و تحویف صندوقهای انتخاباتی به فهرست تخمیلی و انتقاسی رنگ انتخابی برند.

با در نظر گرفتن مجموعه این عوامل، کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مشترکاً به این نتیجه رسیدند، که برای اعتراض به ضرور و اختناق حاکم بر کشور و با افعال ضد ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای دموکراتیک از زحمتکنان دعوت کنند به فهرست نامزدهای ارائه شده از طرف سپاهدهای وابسته به حکام ج.ا. و سازمانهای مربوط به آنها رای مخالف دهند.

دادن رای مخالف به فهرست نامزدهای معرفی شده از طرف نهاد های وابسته به حکام ج.ا. به معنای نفی سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی، به معنای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و جنگ برادر کشی در کردستان، به معنای خواست آزادی دهها هزار انسان بیگناه در بند، به معنای پایان دادن به محاکمات فرمایشی و اعطای میهن دوستان، به معنای طرد عمسسال امپریالیسم و ارتجاع از حاکمیت و بالاخره رد از پیش قوانین ارتجاعی و ضد مردمی است، که در دوره دوم مجلس شورای اسلامی در صدد تدوین و تکمیل آمدند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

پنجم ماه ۱۳۶۲

با جمع آوری
کمک های مالی

فدائیان خلق را در انجام وظایف
انقلابی خود یاری دهید.

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

فدائیان خلق و مسئله فعالیت انقلابی پرسنل نیروهای مسلح

محمد ری شهری دادستان دادگاه شرع ارتش، در مصاحبه روز اول بهمن ماه ضمن اعلام اینکه، بزودی ۳۰ نفر از افراد نظامی به اتهام عضویت در "تکلیلات نظامی مخفی" وابسته به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) محاکمه میشوند اظهار داشت:

"همین کافی است که این سازمان غیر قانونی اعلام بشود. و اینجا عرض می‌کنم که لازم است کسانی که با این سازمان همکاری دارند پس از اینکه مسئولین ملکیتی اعلام کردند، خودشان را بیابند معرفی کنند."

در مقابل این موضع گستاخانه مقامات دولتی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران نظر به اهمیت مسئله اطلاعیه‌ای منتشر ساخت و با افشای توطئه خائسانه علیه فدائیان از همه هم میهنان و از سر مردم سراسر جهان درخواست کرده است:

"صدای خود را علیه سرکوب و شکنجه و اعدام بلند کنید. از سازمانهای انقلابی و مترقی و زندانیان سیاسی دفاع نمائید و اقدامات جدید سرکوبگرانه رژیم را علیه سازمان فدائیان خلق ایران افشاء و محکوم سازید."

مسئله قابل توجه و بسیار خطرناک در این یورش سرکوبگرانه جدید آنست که مقامات حکومتی درست مطابق خواست عوامل امپریالیسم و ضدانقلاب دروغهای پشیمانانه تازه تری را برای توجیه توطئه ضدانقلابی، ضدقانونی و ضددمکراتیک خود علم کرده‌اند. از این رو افشای این توطئه و توضیح مجدد سیاست سازمان در مورد فعالیت انقلابی پرسنل نیروهای مسلح واحد فوریت و اهمیت خاصی است.

مروری بر مواضع ما

فدائیان خلق ایران نه امروز، نه دیروز و نه در هیچ دوره‌ای نه تنها منتقد به عدم مشارکت افران و درجه داران و سربازان در فعالیت‌های سیاسی و انقلابی نبوده‌اند، بلکه همواره صراحتاً اعلام کرده‌اند که مصالح کشور و انقلاب ایجاب نمیکند که ارتش، سپاه و دیگر ارگانهای مسلح هرچه بیشتر با نیروهای واقعا انقلابی تجهیز شوند و در زندگی سیاسی کشور فعالانه شرکت جویند. طرح برنامه سازمان که در خردادماه ۱۳۶۱ انتشار یافته است با صراحت و روشنی این اصل را جزو "اهم وظایف دفاع از استقلال سیاسی کشور" (طرح برنامه ص ۱۹) اعلام کرده و تاکید میکند:

"تقویت نیروهای مسلح مردمی قتل‌ازهمه مستلزم آنست که دستگاه فرماندهی نیروهای مسلح بدون تنگ نظری با افسران و سربازان تجهیز شوند که ایمان انقلابی و وفاداری به خلق در وجودشان نهفته است. بدین منظور باید افراد نیروهای مسلح در زندگی سیاسی کشور برای پیشبرد انقلاب فعالانه شرکت جویند. دفاع از میهن انقلابی حق و وظیفه همه نیروهای مردمی است. همواره نیروهای مردمی باید از این حق برخوردار و این وظیفه را به شایستگی پاسخگو باشند. (طرح برنامه ص ۲۵).

این برنامه - که اساسی ترین سند سازمان ماست - با اجازه رسمی دولت در

دو نوبت در تیراز ۶۰۰۰۰ نسخه در سراسر کشور پخش شده و برای تمام مقامات و نهادهای حکومتی هم ارسال شد. تبلیغات و فعالیت عملی سازمان فدائیان خلق ایران نیز همواره منبوه اخزای همین برنامه بوده است. همه مردم بخاطر دارند که سربازان، درجه داران، افسران و همافران هواداران سازمان در جریان انقلاب بهین چه نفس موری در پیروزی انقلاب ایفاء کرده‌اند. پس از پیروزی ۲۲ بهمن نیز هواداران سازمان در نیروهای مسلح نقش کلیدی ایفا کردند. در یک کاری ارتش از تیمسارها و دیگر سردوران رژیم آمریکایی شاه دانسته‌اند. در چنین سازی توطئه های کودتایی ضدانقلاب سازمان نقش ما برحمته بوده است. و از همه مهمتر، سهم و نقشی است که فدائیان خلق در صفوف نیروهای مسلح در جنگ مقاومت علیه تجاوز آمریکایی رژیم عراق برعهده داشته‌اند. مدتها نفر از اعضا و هواداران سازمان ما در راه بیرون راندن متجاوزان از خاک میهنمان، جان خود را از دست داده و بسا مروح و ناقص الصحو شده‌اند. تمام فعالیت ارتشیان انقلابی و میهن پرست هواداران فدائیان خلق توجیه پرورش و اشاعه روحیه میهن پرستی انقلابی و آگاهی انقلابی در ارتش، افشای ضدانقلاب و عناصر خائن در ارتش و انجام وظایف میهن پرستانه بوده است. ما امروز، دیروز و فردا و همیشه، نه تنها از این فعالیت ارتشیان انقلابی دفاع کرده ایم، بلکه و خواهیم کرد بلکه به توده هواداران سازمان، به ویژه جوانان و به همه نیروهای اصل انقلابی تاکید کرده ایم که تقویت فعالیت انقلابی پرسنل نیروهای مسلح از اهمیت کاملاً ویژه‌ای برخوردار است. باید تلاشهای ارتجاعی برای تپ و محروم کردن ارتش از عناصر مترقی و میهن پرست را به هر شکل ممکن، و تا هر حد ممکن حثی کرد.

بدین ترتیب ملاحظه میشود که نقش و سیاست و برنامه سازمان فدائیان خلق در زمینه فعالیت انقلابی نیروهای مسلح - چه در زمان شاه و چه در جمهوری اسلامی ایران - و تلاش برای گسترش این نقش نه یک مسئله پشیمانی و اعلام نشده بوده است، و نه سازمان از دفاع از این نقش و وظیفه و بگیری در ایفاء و گسترش آن لظفه ای‌درنگ کرده است. سازمان فدائیان خلق ایران همواره به تنها تلاش برای تقویت و سرکوب عناصر مردمی و میهن پرست در صفوف نیروهای مسلح را تلاشی ضدانقلابی در بهترین حالت "تنگ نظرانه" توصیف و با آن صراحتاً مخالفت کرده است، بلکه همواره نظر به اهمیت مسئله کوشیده است و خواهد کوشید که مدافعان راستین مردم و میهن در صفوف نیروهای مسلح به هر شکل ممکن حفظ و تقویت شوند.

دادستان دادگاه شرع ارتش دروغ می گوید

درست در بحبوحه اوضاع بحرانی کنوردر سال ۶۰، از سوی آیت الله خمینی حکمی در جهت خلاف این سیاست و خط میسی انقلابی سازمان فدائیان خلق ایران صادر شد. ایحان نظامیان را از عضویت در اجزای و سازمانهای سیاسی منع کرده و تاکید کرد که نظامیان باید با عضویت در ارتش و بسا عضویت در اجزای و سازمانهای سیاسی، یکی را انتخاب کنند. سازمان فدائیان خلق

ایران، ضمن بررسی همه جوانب کار تصمیم گرفت، ضمن حفظ مواضع انتقادی خود نسبت به این دستور رهبری جمهوری اسلامی صرفاً به منظور تطبیق فعالیت عملی خود در چهارچوب مقررات و ضوابط جمهوری اسلامی، طی خصنامه ای رسماً به تمام واحدهای سازمانی در سراسر کشور اطلاع کند، که چنانچه برخی افراد نظامی در ارتباط با تکلیلات سازمان فعالیت داشته باشند این ارتباط منقطع و همچنین درخواست های آنان برای عضویت در سازمان متوقف گردد. این خصنامه در همان زمان در سراسر کشور اجرا شد. این تصمیم رهبری سازمان در همان زمان به اطلاع مقامات جمهوری اسلامی هم رسید.

بدین ترتیب، خود آقای دادستان هم خوب میداند که این ادعا که گویا پس از منع رسمی نظامیان از عضویت در سازمانهای سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) "تکلیلات نظامی" مخفی داشته و با حتی آنان هم ساده تر ارتباط سازمانی اعضا و هواداران خود در نیروهای مسلح را متوقف نکرده است، دروغ محض و اساساً بی پایه است.

درعین حال، لازم به تذکر است که نه ما و نه هیچ نیروی انقلابی دیگر هرگز تعهد نکرده و نمی توانه تعهد کند که در میان نیروهای مسلح کشور بدانان افکار و عقاید و خط میسی و برنامه آن وجود نداشته باشد. سازمان ما هرگز تعهد نکرده است که نظامیان راه ما را نپذیرند. این روشن است که چگونه شور و فداکاری و صداقت و محت نظریات و خط میسی فدائیان پایگاه آنان را در میان اقشار مختلف خلق از جمله در میان توده نظامیان تقویت می‌کند. وجود چنین پذیرشی برای ما و برای هر نیروی انقلابی دیگر نه تنها خرم نیست بلکه مانع افتخار و سربلندی است. با این همه محدودا تاکنند می‌کنیم که حتی یک فرد نظامی هم، در روی زمین نمی‌توان یافت که پس از ممنوعیت مذکور در تکلیلات سازمان فعالیت با در آن عضویت داشته باشد. از میان نظامیانی که نه این سپاه دستگیر شده‌اند نیز، مسلماً حتی یک نفر راهم نمی توان یافت که ادعای آقای دادستان دادگاه شرع در مورد وی صادق باشد. آقای دادستان دارد به شکل کاملاً مضحک و اسفانگیزی دروغ به هم می‌نهد.

ادعاهای خودسترا و تلاشهای ضدانقلابی

این حقایق نشان میدهد که این ادعای کلکی بی اساس از سوی هیئت حاکم، صرفاً توجیه و پوششی است برای دستبازی به مقاصد خیانکارانه آنان. مسئولان حکومت این دروغ را به این خاطر سرهم بندی کرده‌اند تا آنرا سپاه غیرقانونی اعلام کردن و سرکوب رسمی و اعلان شده فدائیان خلق قرار دهند. از این گذشته، هیچکس حق ندارد چنین چیزی را وسیله غیرقانونی اعلام کردن بکند. چنین انقلابی قرار دهد. آقای دادستان خیلی گستاخانه می گوید: "همین کافی است که این سازمان غیرقانونی اعلام بشود."

این حکم ری شهری حکمی کلکی خودسترا و غیرقانونی است. این حکم نه با قانون اجزای مطابقت دارد و نه با اصول قانونی. بنیه در صفحه ۹

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۸ مارس (۱۷ اسفند) روز همبستگی بین المللی زنان جهان گرامی باد!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، فرا رسیدن ۸ مارس روز همبستگی زنان براسر جهان را به همه زنان، مادران و دختران مبارز میهن و به زنان فدائیان که ایثارگرانه در راه برابر حقوقی زنان با مردان و بهروزی مردم میهن مان می رزند، شادباش می گوید.

۸ مارس معرف روز همبستگی زنان جهان در بیکار علیه بیعدالتی، تبعیض و نابرابری، جنگ و کشتار و ویرانی، اختناق و دیکتاتوری و تهاوی و فساد فرهنگی است. هم اکنون در پنجاه گیتی، میلیون ها زن علیه ستم و بیادگری می رزمند. میلیونها زن از ملت های مختلف، یکدل و یکصدا، به ستیز علیه جنگ و خونریزی و سیاست تشنج فرایسی امپریالیسم درراس آنها، علیه سیاست گسترش تولید و استقرار سلاحهای هسته ای آمریکا، برخاسته اند. زنان، که خود زندگی می آفرینند، با هوشیاری به حفظ آن در گستره جهان، همت گماشته اند. ۸ مارس روز تشدید، تحکیم و تمرکز این مبارزات علیه هر نوع مظلوم اجتماعی است.

در میهن ما، میلیون ها زن، زیر بار شدیدترین فشارها، تضییقات و اهانتهای قرار گرفته اند. حکومت جمهوری اسلامی، در تمام این پنج سال، همواره کوشیده است برای تحکیم پایه های قدرت خود از نیرو و انرژی انقلابی توده زنان ما، بهره برداری کند و در ازای آن جان گذشتگی ها و ایثار بیدریغ آنان بخاطر انقلاب، زندگی بپزیرد، محرومیت، تبعیض، نابرابری، بی حقوقی، عقب ماندگی و حقارت را به آنها تحمیل کرده است. بلایی که این حکومت برسر زنان زجر کشیده ما آورده است، خاطره سیاه زنده به گور کردن نوزادگان دختر، توسط بربرها و قباثل جادرنشین عرب، در روزگاران گذشته را زنده می کند. حکومت میکوشد زن مبارز ما را با تمام توانمندی و خلافت - هایش از همه عرصه های کار و سازندگی، رشد و بلوغ و شرفی به کنجی براند، حق بهره مندی از شکر و زیبایی زندگی را از او سلب کند، بیوندهای انسانی او را بسا جانم بگسلد، بر عواطف داغ خراحت های بیشمار بکشد و در انتهای این راه بسر - ظلمتی که پیش روی می گذارد، مهرمنسوخ شده بردگی در خانه را بردهتر زندگیش بگوید. تمام تلاش حکومت در این پنج سال این بوده است که توان و استعداد زنان ما را در گور اندیشه های عقب مانده و ترو و وسطائی خود دفن کند.

اکنون حقوق زنان در کلیه عرصه های کار و زندگی، در عرصه اجتماعی اقتصادی، خانوادگی، آزادیهای سیاسی و دمکراتیک، آموزش و هنر، بیش از هر زمان دیگر، لگد مال میشود. توسل به پوششهای شرعی و افکار پوسیده ترو و اعمار گذشته برای خانه نشین کردن زنان، برای محروم کردن این نیروی عظیم اجتماعی از مشارکت در فعالیت اجتماعی و برخورداری از علم و هنر، به سیاست اصلی حکومت در مورد زنان تبدیل شده است. عدم حضور زنان در عرصه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع نیروی انقلاب را تضعیف می کند و بدینگونه راه شکست انقلاب هموارتر میشود، از همین رو تلاشهای ارتجاعی برای منزوی کردن زنان و راندن آنان از محنت کار و بیکار، امروز بیش از هر زمانی به خدمت اهداف ندمردمی و ضد انقلابی گرفته میشود.

زندانها، شکنجه گاهها، میدانهای اعدام و گورستانهای جمهوری اسلامی از وحشیگریها و خودسری های اوباشانه حکام جمهوری اسلامی در قبال زنان، مادران و دختران جوان آگاه و انقلابی ما خبر میدهد. هیچ حکومتی بجزین غدارانه و لجام گسیخته دست به خون زنان نیالوده است. در هیچ دوره ای حرمت مادران که طبق باورهای دیرینه مردم پشت را زیر پا دارند، اینچنین شکسته است. شلاق دادن بدست بر سر بر تن مجروح مادرش بگوید، وادار کردن مادر به درخواست اعدام بر سر، نه خون کشیدن فرزند طو دیدگان حریت زده مادر، اعدام زنان بساردار و سالخوردگان ۷۰ ساله و دخترچگان ۱۳ ساله، فقط گواه بر توحش عاقلین این جنایات است.

زنان ما امروز با حکومتی مواجهند که دستاوردهای انقلاب را به نابودی می کشد، آنها می بینند که زهری جمهوری اسلامی برای داغ نگه داشتن تنور جنگ بر خیال فرزندان آنان جنگ میافکند.

نگرانی از امروز و فردای سرنوشت خانواده هر لحظه زنان بلاکشیده ما رارتج میدهد. امروز زنان حتی در انتخاب نوع لباسی آزادی ندارند، اخراج، اهانتهای فرزندان و شکنجه انتظار زنی را می کشد که حجاب را انطور که حکومت میخواهد رعایت نکند.

در چنین وضعیتی، زنان ما مبارزه بی امان خود را علیه بی قانونی، بی حقوقی، نابرابری و استغری ادامه میدهند. آنان که با فعالیت شگفت انگیز انقلابی خود در دوران انقلاب و حفاظت از دستاوردهای آن، احترام جهانیان را برانگیختند، اینک با ایستادگی در مقابل این تجاوزات حکومت، بقسب تاریخی خود را در کسب آزادی و برابرقوی و تامین استقلال کشور ایفا می کنند. زنان به حکم مسئولیت خویش در جرات از زندگی کودکان و خانواده، خواهان برقراری صلح آرامش در جهان اند، از این رو از جنگ خانمان سوزی که رژیم بر ما تحمیل میکند بیش از همه بیزارند. زنان آگاه و مبارز ما در جهت خاتمه دادن به جنگ و فلاکت های ناشی از آن و استقرار صلح در میهنمان ن مبارزه می کنند. آنان برای پایان بخشیدن به سرکوب فرزندان انقلابی خویش فریادخشم و اعتراض خود را رسا تر میکنند. تلاش جنگی ناپذیر زنان و دختران فدائی و دیگر زنان آگاه و انقلابی، در دفاع از حقوق زنان و پیشبرد مبارزات آنان، افتخار آفرین و برترم بوده است. در شرایط امروزی جامعه ما که حکومت سیاستی در جهت آزادگذاشتن غارتگری بی بند و بار سرمایه داری ونزدیکی به امپریالیسم را در پیش گرفته است، وظیفه زنان متعهد، مبارز و انسان دوست ما در مبارزه با این سیاست هر روز سنگین تر میشود. زنان در صفوف بهم فشرده و یکپارچه خود همگام و همراه با مردان مبارز میهن، برای زنده داشتن آماجهای انقلاب استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و تامین حقوق برابر با مردان، مصمصانه مبارزه می کنند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران با بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن، زنان مبارز میهن را به تشدید و تحکیم میثاق انقلابیشان با زنان براسر جهان و گسترش مبارزات خود علیه امپریالیسم و ارتجاع، فرا می خواند.

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اسفند ماه ۱۳۶۲

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

جمهوری اسلامی در سالی که گذشت

نسخه از صفحه ۱

تهاجم فاشیستی برای نابودی نیروهای انقلابی و ترقیخواه

حکومت، پنجمین سال انقلاب را با تهاجم فاشیستی به حزب توده ایران آغاز کرد. از یک هفته قبل از سالروز انقلاب، نطقهای که از مدتی پیش توسط رهبران جمهوری اسلامی، با کمک سازمانهای جاسوسی امپریالیستی، مزدوران ساواکی حکومت اوین و عناصر سر خود فروخته طراحی شده بود، در دستور کار اوباشان سیاسی و نظامی حکومت قرار گرفت و بدین ترتیب حکومت جمهوری اسلامی به یکی از بلیهترین تهاجمات در طول تاریخ معاصر ایران دست بازید.

سالی که با این تهاجم آغاز گشت، در طین تاریخیهای اوین و در امتداد رگه بی پایان خوبی که از بیکر زخمی فرزندان گرامی این آب و خاک بر زمین روان شد، ادامه یافته و با آغاز بلیهترین نوطه علیه سازمان ما پایان گرفت.

تلاش برای سرکوب و نابودی فداشوی بوده ای و مجاهد یعنی تلاش برای نابودی جنبش مردمی در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی. تهاجم حکومت علیه این جنبش تهاجمی است که همه سپهر پستان را سوی عقیده و مذهب و ملت آنها در بر میگردد. تلاشهای حکومت علیه مسلمانان مبارز سر بود این حقیقت است. تهاجم راست برای گرفتن کامل همه نهادهای حکومتی با تشدید نوطه ها، پیرونده ناری ها، دام گستری ها و تحفی و سرکوب عناصر ترقیخواه درون این ارگان ها همراه بوده است. حکومت، همه حقوق و امکانات قانونی مردم برای شرکت در تعیین سرنوشت جامعه را نفی و با اعمال کرده است. جمهوری اسلامی رژیم تک حزبی منگی بر سرنیزه و ترور را در همه اعقاد آن پیاده میکند. اختناق و خونریزی سرکوب هر حرکت مردمی و سپهر پستان، هدفی است که در طول سال گذشته به آتش رسمی رهبران حکومت بدل شده است. حکومت حساب و انتشار همه نشریات و کتابهای احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه را ممنوع کرد. نشریات و کتابهای انقلابی و علمی را از کتابخانه ها جمع آوری نموده و بسیاری را به آتش کشید. کتابخانه های عمومی را از همه این نشریات خالی کرد. هر نوع اعتصابات، تظاهرات خیابانی و اعتراض جمعی ممنوع بود. دشمنی با آثار و فعالیت ادبی و هنری، دشمنی با زبان و فرهنگ باستانی مردم ایران به اوج خود رسید. امروز هم اوباشان به تخریب آثار باستانی و یادگارهای ملی و میهنی ما مستولند. راهی که جمهوری اسلامی در این یک سال پیمود و هم اکنون میپیماید، با بیکر شهیدان فرس و با خون آنها رنگ شده است.

نسخه در صفحه ۷

کار" اجتماعی و شکست حدی این توطنشده خطرناک ضدکارگری بود. این شکست رهبران جمهوری اسلامی را واداشت تا جاره های دیگری بندیدند و آنچه را از در خارج شد، از پنجره وارد کنند. "قانون سوراخهای اسلامی کار" که از "مجلس شورای اسلامی" گذشت کلا همان هدفهای "قانون کار" معروف حکومت را دنبال میکند. اما "شورای نگهبان" این حد از ظلم را نیز هنوز کافی ندانست و آنرا رد کرد. برابر "قانون سوراخهای اسلامی کار" کارگران نمیتوانند بر اساس حرفه و در برابر کارفرما متفکک شوند. آنها از حق داشتن شکل های ویژه و مستقل کارگری محروم شده اند. نمایندگان واقعی کارگران با زیر بگردند و با زیر شکنجه و زندان، و در صفی با بیان محکومین به مرگ.

در سال گذشته، کارگران کشور ما، با بیامال شدن همه حقوق خودشان مواجهم بودند، تمام زندگی آنها در جنگال بی قانونی، نا امنی اجتماعی، نا امنی شغلی، تورم، گزانی دم افزون و سرمای آور کالاهای گزانی و سود منکن و سکاری گسترده ای که پیوسته بر دامنه آن افزوده میشود - سخت و سخت تر شده است.

تعلیق "قانون اراضی شهری"، نمونه بار دیگر از نفی عدالت اجتماعی و با بیامال کردن حقوق مردم است. "قانون اراضی شهری" از نمونه های نابای است که در شرایط ویژه کشاکش نیروهای حاکم از تهاجم "شورای نگهبان" گذشت. این "قانون" شکل تعدیل شده "قانون لغو مالکیت اراضی شهری" صوب "شورای انقلاب - سازمان ۵۸" است که لغو اسناد مالکیت زمینهای درون محدوده شهرها را که در جنگال سرمایه داران و زمین خواران است درخواست میکرد.

تعلیق احصای "قانون اراضی شهری" که خود زیر تاثیر انعقاد این بحران همه تصویب رسید، مشکل حاد منکن را برای همه شهرنشینان، بویژه برای توده مردم زحمتکش در شهرهای بزرگ با رهم حادث کرده است.

حفظ و تحکیم نظام اقتصادی به میراث رسیده از رژیم شاه، سیاست بار کردن بیش از بیش میدان برای غارتگری کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، سیاستی که در خدمت حفظ و تشدید محرومیت کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان شهر و روستاست. در چهارچوب برنامه پنجمال حکومت، که در پنجمین سال جمهوری اسلامی تدوین گردید، همچنین و بنظم شده است. در چشم انداز پنجمال این "برنامه" هیچ خبری از انجام اصلاحات در روستا، تعدیل زندگی متفکک روستائیان و تأمین حقوق کارگران نیست. در این برنامه حتی تکتی ای که بطور واقعی و عملی متوجه رشد نیروی تولیدی کشور و قطع وابستگیهای اقتصادی و ترسم خرابیهای کشور است، نیست. اولس بودجه ای که در چهارچوب این "برنامه پنجمال" تنظیم شد، شتار یک سوم آن مستقما در خدمت ویران کردن کشور و کشتار و بی خانمان کردن مردم، در خدمت جنگ ویرانگر است.

باز بی گرفتن زمین از دهقانان ترکمن مجرا، که در برتو شکل و مسارزه خود، بخشی از زمینهایشان را از سررگت مالکان بی گرفته بودند، نمونه ای از این جریان است. در خراسان و آذربایجان و دیگر جاهای کشورمان، نمونه های دیگری را میتوان مشاهده کرد.

رسیمت یافتن این اقدامات نیز از سال گذشته بطور منضمی آغاز شده است. نمودار برجسته، این امر، تصویب "طرح قانون اراضی موقوفه" در مجلس است. در "قانون آمده است": "از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی سه فروش رسیده و یا بصورتی به مالکیت دست درآمده باشد، برسمیت خود برمیگردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است". یعنی زمینهای دهقانان را خودسرانه و بزور از آنها میگیرند و بار دیگر آنان را وادار میکنند که بخش اعظم دسترنج خود را به کسان دیگر بپردازند. بدینگونه علاوه بر شرع "قانون" راهم روش و آشکار پشیمان بزرگ مالکان کردند.

مدتی پیش از رد لایحه اصلاحات ارضی لایحه دولتی کردن تجارت خارجی، توسط شورای نگهبان لغو شد. دولتی کردن تجارت خارجی، یکی از خواستهای عمده مردم ما و از هدفهای مهم انقلاب در راه تأمین عدالت اجتماعی و استقلال ملی است. تلاش برای نگهداشتن بازرگانی خارجی در جنگ کلان - تاجران غارتگر و منارزه برای دولتی کردن آن، متدبا سوازات مسئله، اصلاحات ارضی در کانون کشاکش نیروی حاکم قرار داشت. این کشاکش سرانجام بود راست، بنسود کلان تاجران غارتگر و نبود مذاقین حفظ و تحکیم مناسبات اقتصادی - اجتماعی رژیم گذشته حل شد. نتایج غریب سنگینی که بدین ترتیب بر انقلاب وارد کردند در طول سال گذشته مرجه شدیدتر جهره نمود. رهبری جمهوری اسلامی دروازه ها را چهارطاقی برای کالاهای امپریالیستی کشود و سیاست درهای باز را بعنوان "راه حل" مشکلات اقتصادی کشور، مبنای کار خود قرارداد. کار نجایی رسیده که رهبری جمهوری اسلامی گمان میکند همه راهها به بندر ختم میشود. آیت الله خمینی در رابطه با مشکلات مزاین شده، اقتصادی اعلام کرد که: "همه چیز هست، فقط کامیون نیست" که برود بندر و بار کنند. اندکی پیش از آن "جهد تخلیه کالا" اعلام شد و در یک چشم بهم زدن علاوه بر تحسار بزرگ کامیون داران هم به صف "مجاهدین" من درآوردی حکومت درآمد. ایران سه بزرگترین واردکننده کالا از ترکیه و یکی از بزرگترین طرفهای اقتصادی رژیم هم ضیا، الحق تعدیل گردید. سیل کالاهای امپریالیستی به بازار کشور، تولیدات داخلی و اقتصاد را به وضعیتی وخیم تراز سالیهای گذشته دچار کرده است.

با بیامال کردن حقوق کارگران و زحمتکشان

حکومت در سال گذشته، نطقه با بیامال کردن همه حقوق کارگران کشورمان را با دقت و شدت بی سابقه ای ادامه داد. بی نیروی بزرگ کارگران در سال ۶۱ رسوایی "قانون

املاک بزرگ مالکان باید بین دهقانان تقسیم شود

جمهوری اسلامی در سالی که گذشت

بقیه از صفحه ۶

تسلیمات فریبکارانه رهبران جمهوری اسلامی درباره "سودهای" جنگ فریادش و لزوم ادامه جنگ به شکل فریادش، در این سال به اوج خود رسید. آنها میگویند، این جنگ هرچه بیشتر طول بکشد بسود "مردم ایران" است. این دروغ بافی ها در اساس برای آنست که تاثیر جنگ را در فرسودن انقلاب و تحکیم مواضع راست، پنهان سازند و به خیال خویش مردم را به شرکت در جنبه ها ترغیب کنند. همانطور که جنگ "مسئله اطمینانی" جمهوری اسلامی است صدام نیز در سیاست جمهوری اسلامی تدریجا به دشمن اصلی آن بدل شده و آمریکا از مقام و موقعیت قلبی خود از نظر رهبری جمهوری اسلامی خارج شده. رهبران جمهوری اسلامی سال گذشته مکرر آنرا گفته اند که "اگر آمریکا بگذارد آنجا تکلیف صدام را تعیین میکنند. آنها به اشکال مختلف به آمریکا پیشنهاد میکنند که مثل دوران شاه اسلحه به ایران برآورد کند، و تنها، از آنها حمایت کند.

سیاست های جدید حکومت در رابطه با جنگ، بیش از پیش کام امپریالیست ها، و بویژه آمریکا را شیرین و آنها را امیدوار کرده است. آمریکا سال گذشته، تنها که توانست در سنور جنگ رهبری جمهوری اسلامی نان خود را بخت. آمریکا در طول این سال به گسیل بیش از پیش نیروهای نظامی خود به منطقه و به نوسازی و بازسازی و ایجاد پایگاههای جدید نظامی و توسعه و تحکیم پیمانها و محورهای ارتجاعی رژیمهای مرتجع منطقه مشغول بود.

حکومت بیش از یک سوم تمام بودجه کشور را برای ادامه این جنگ ویرانگر دور ریخت و بیش بینی های "لازم" را برای افزایش نامشخص این مقدار نیز کرده است. در حالی که رقم ناچیزی از بودجه هم صرف آبادی ویرانها نمیشود. رهبران جمهوری اسلامی، تا آنجا که میتوانند به فروش نفت با ارزانترین قیمت، و خرید اسلحه آمریکا بی و انگلیسی به بالاترین قیمت، برای ویران کردن بیش از پیش کشور مشغولند.

در بهمن ماه امسال، جنگ افروزان ماجراجویی جنایت بار تازه ای را آغاز کردند و به جای اینکه با پایان دادن به این جنگ ویرانگر جلو جنایات ددمنشانه رژیم صدام علیه مردم مین ما را بگیرند، اعلام کردند که متقابلا به نابودی شهرها و روستاهای عراق و کشتن و آواره کردن مردم آنها اقدام خواهند کرد. و بدین طریق دامنه خونریزی را، به گسترده ترین حد خود از آغاز جنگ تا کنون میرسانند. رژیم جنایتکار عراق بر سر شهرها و روستاهای ما بمب میریزد و گروه گروه هم میمان ما را میکشد و حکومت جمهوری اسلامی هم برای داغ نگذاشتن تنور جنگ "گروه گروه جوانان ما را در این تنور می سوزاند" خاکستر میکند.

سال گذشته، مردم اعتراضات چشمگیری علیه ادامه جنگ داشتند. مردم مین ما که تجاوز رژیم صدام را در هم شکستند و متجاوز

داد و متقابلا کرایشهای "مثبت" در سیاست جمهوری اسلامی را مورد تأکید قرار داد. وزرای خارجه کشورهای امپریالیستی غرب به منظور جنجالی راهپاکی جهت دادن حساب متقابل به پیش درآمدهای ایران، مینی بر سپرد بخشیدن به روابط با این کشور، به توافق رسیدند.

سال گذشته، سال اوج تلاش رهبران جمهوری اسلامی، برای به فراموشی سپردن شعار مرگ بر آمریکا بود. بهمان میزان که این رهبران تلاش کردند تا تنور شورشی را با هیزم دروغ و تمسوت و افترا داغ و داغ تر کنند، بهمان اندازه نیز کوشیدند تا شعله های خشم و نفرت مردم، علیه آمریکا زبانه نکنند و بدگمانی امپریالیست ها نسبت به آنان انگیزه نشود. در ماههای اخیر، رهبران جمهوری اسلامی به اختصار آشکار توطئه های آمریکا مشغول شدند. خامنه ای رئیس جمهور، در شرایطی که نیروهای مسلح آمریکا در خلیج فارس و تنگه هرمز حوالت میدهند اعلام کرد که "احتمال دخالت نظامی آمریکا در منطقه" را "بسیار دور از تصور میداند". این موضع به اشکال مختلف از سوی رهبران جمهوری اسلامی اعلام و تکرار شد.

رهبران حکومت از طریق رسانه های گروهی و تریبونهای شمار جمعه گفتگوی غیر مستقیم خود با آمریکا برای قطع حمایت آمریکا از رژیم صدام و گرفتن امکان از آن برای سرنگون کردن این رژیم ادامه و بسط دادند. آنها کوشیدند آمریکا را قانع کنند که مسئله اساسی برای حکومت ایران به آمریکا بلکه رژیم صدام است. اکنون، در اوایلین هفته های سال ۶۲ بارهم نقشه های تازه ای برای نزدیکی به غرب رو می شود. هائیتی رفشنحالی اینبار بگونه ای بس بیشترانه از تریبون شمار جمعه در تهران اعلام کرد که قطع قراردادهای نظامی شاه با آمریکا "خیانت" بوده است. وی بطور مشخص از اهمیت قرارداد بیست میلیارد دلاری نظامی شاه با آمریکا دفاع کرد و تکتک اقلام آن را برای "کشور" "لازم" و "بسیار لازم" و "جنایتی" خواند. او اعلام کرد که اسلحه آمریکا یک سوم برای "مردم" "از نان شب واجب تر است".

از سوی دیگر حکومت، مناسبات مودت آمیز خود را با ترکیه و پاکستان به جای رساند که مسئله احیاء پیمان "عسکران منطقه ای"، به اشکال دیگری به میان آمده است. مضمون این پیمان عملا از مدتی پیش توسط سه حکومت به اجرا گذاشته شده است.

ادامه جنگ به هر قیمت

سال گذشته، درحالی که تمامی آماجهای انقلاب و همه خواستهای نوده های میلیونی به خدنگی و پایمال میشد، رهبری جمهوری اسلامی مخمتر و بی پروا تر از همیشه تمام جنگ را، که مردم از آن متنفرند، بازهم "مسئله اطمینانی" و "مسئله سرنوشت ساز" اعلام داشت. رهبری جمهوری اسلامی خواهان ادامه جنگ به هر قیمت، تا تفسیر رژیم کنونی عراق و روی کار آمدن رژیم دلقخواه خود در عراق است. آیت الله خمینی خود در آستانه چهارمین سال جنگ، با تمام توان و امکان، به میدان دفاع از تداوم جنگ آمده و مسئولیت این امر را با همه ابعادش شخصا بر عهده گرفت.

ستم و سرکوب در کردستان

حکومت جمهوری اسلامی که هرگونه حقوق ملی خلقهای ایران و در رأس همه حقوق ملی خلق کرد را نفی می کند در سال گذشته با شدت بیشتری برای نابودی مبارزات خلق پنهان مردم کرد تلاش کرده است. زندگی مردم کردستان که بیش از این نیز فاجعه آمیز بود، در پنجمین سال جمهوری اسلامی، بطور بی سابقه ای به وخامت گرائید. در کردستان مردم میان گازاسر دو ارتش (ارتش جمهوری اسلامی و رژیم صدام) فشرده میشوند و از دو سو، بمب و موتک و گلوله بر سر آنها میبارد. دامنه ویرانی شهرها و روستاهای کردستان و کشتار مردم مبارز و زخمی کرد بجای رسید که سران حکومت را علیرغم میلشان به اعتراف و ابراز نمونه هایی از این جنایتها، وادار کرد. مثلا مهدوی کنی در یک مصاحبه مطبوعاتی اذعان کرد که:

"۷۰۰۰۰ نفر از شهر مریوان و سانه بیرون آمده اند بر اثر بمباران شهر و جرایم شهر که اطلاق کثرت نموده است. حکومت در واقع به کردستان، مانند یکی از جنبه های جنگ ایران و عراق، بلکه بدترین این جنبه ها نگاه می کند. بنظر جمهوری اسلامی گویا کردها کردستان را اشغال کرده اند. لذا ارتش و سپاه پس از ویرانی هر شهر و ده کردنشین، اعلام میکنند که این مناطق "آزاد" شده است. جمهوری اسلامی در کردستان تنها آن "قوانین جنگی" را "مراعات" میکند که واضحین آنها تنها قمی تریستن مهاجمان میتوانند باشند.

به توب بستن و ویران کردن روستاها، کوچاندن مردم از موطن شان، بازداشت های وسیع، شکنجه و اعدام زندان جوانان مبارز و مردم محروم و اجرای مجازات مورد علاقه بهایمین قرون وسطایی در حق مردم کرد، روش روزمره حکومت در طول سال گذشته بوده است. اما حکومت با این اقدامات جز تخم گسستن نکاشت و جز خرمن کینه و نفرت بر نداشت و مبارزه حق طلبانه مردم کرد بیش از پیش مورد پشتیبانی مردم کشور ما و نیروهای مبارز و مردمی قرار گرفته است.

گسترش روند نزدیکی به غرب

حکومت جمهوری اسلامی، در طول سال گذشته، سیاست نزدیکی به غرب را درجهات سیاسی و اقتصادی گسترش داد. حکومت تهاجم برای سرکوب حزب نوده ایران را از همان آغاز با تهاجم تازه تسلیمات علیه اتحاد شوروی و ماجراجویی علیه مناسبات کشورها و همسایه شمالی آن در آمیخت. اوج دادن جنون آسای شوروی ستیزی هم، چنان هدیه ای بود که حکومت میتواند با امید جلب اعتماد و دوستی غرب آن را پیشکش کند. چنان جراغ ستیزی بود که چشم همه امپریالیستها را به خود جلب کرده و در دل آنها آینه بدستری برای کسب امتیازات گذشته شان در ایران بیافزیند. کنفرانس سران هفت کشور امپریالیست در ویلیامز مرگ آمریکا، که در سال گذشته برگزار شد و رویدادهای ایران را بررسی کرد، جراغ ستیز حکومت را تشخیصی

"انتخابات آزاد" یا تحمیل مجلس تجار

شبهه از صفحه ۱

گویا انتخابات آزاد است. گویا هیچکس ندارد در انتخابات دخالت کند. این ادعاهای سرا یا کذب، هر روز از بلندگوهای تبلیغاتی حکومت تکرار میشود. آنها از کدام آزادی دفاع می کنند؟ چه کسانی در جمهوری اسلامی واقعا آزادند و چه کسانی را آزادی واقعی محروم هستند؟ راست آن است که انتخابات به اصطلاح آزاد در شرایطی برگزار میشود که حقیقت نیافتادهای به کشور حاکم شده است. و هر صدای حق طلبانه ای را با زور خاموش میکنند. میهن پرستان و ترقی خواهان و مبارزان راه آزادی با زندان و اعدام و شکنجه های دستجمعی سرکوب میشوند. فعالیت تمام احزاب، سازمانها، گروهها و انجمن های مترقی و انقلابی، برخلاف قانون، ممنوع شده است و اعضاء و هواداران آنها بدستور حکام شرع دستگیر، شکنجه، اعدام و سر به نیست میشوند. هیئت حاکمه نه تنها آزادی را از دگراندیشان نلست میکند، بلکه آندسته از مبارزان پلیمان را که حاضر در حیانت به مردم و انقلاب نیستند، تمسین و تحت فشار و شکنجه قرار میدهد. سرکشی بوسنده نیست که تمسین این مبارزان مسخولیت و مداخل کومیتی به سیاست قطعی رهبران رژیم تبدیل شده است. از نظر رهبران حکومت اتحاد ملت ایران همگی محرم هستند، مگر خلاف آن ثابت شود، و این تنها فعالیت سیاسی در کشور نیست که حرم محسوب میشود. این تنها مبارزه در راه آماجهای انقلاب نیست که توسط تلقی میشود، حتی فعالیت افراد عادی برای تامین ابتدائی ترین حقوق خود، یا برجست اخلاکگری و کفروتوطئه مواجه و با محرومیت از کار، طبیعت و نثار حکومت روبروست. نه همین دلیل، هر نوع فعالیت کارگران برای بهبود شرایط کار و وضع زندگی آنها سرکوب میشود و کارگران گروه گروه از کارخانه ها اخراج میشوند، هر نوع مبارزه دهقانان علیه بهره اربابان با واگتن شدید حکام شرع و نهادهای ویژه حکومتی مواجه میشود. آنها که در برابر اربابان بی ایستند سرکوب میشوند و بیجا تحویل زندانها و فراموش خانه ها میگردند. تا کیون صدها هزار نفر از کارمندان، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان از ادارات دولتی، دانشگاهها و مدارس کشور به اتهام دفاع از انقلاب اخراج شده اند. گناه آنها این است که آنگونه که رهبری جمهوری اسلامی می بیند فکر نمیکنند، و زندگی شان مطابق فتاوی آیت الله خمینی نیست. اکنون زندانها از کارگران، دهقانان، روشنفکران و جوانانی که در راه حقوق سیاسی و اجتماعی خود مبارزه میکنند، لبریز است.

آیت الله خمینی میگوید هیچ مقام دولتی حق دخالت در انتخابات را ندارد و این گفته قفا را طرفیان ایشان فریبکارانه برای منحرف کردن آنها تکرار میکنند. اما آنها که از دخالت در سرخوش انتخابات محروم شده اند، فقط مردم هستند و پس بعنوان مثال طبق قانون جدید انتخابات هر کاندیدای باید از هفت خوان حکومت بگذرد و هفت آتشته شود. مثلا برای کاندید شدن حمایت و تأیید معتمدین شهر یعنی بارزبان بزرگ، شرط قطعی است. علاوه بر آن صلاحیت همین کاندیدها باید توسط واحد اطلاعات

سیاه باسداران، کمیته های انقلاب اسلامی و دادستانی کل و اداره تشخیص هویت بین المللی و غیره و مجله تأیید شود. (ماده ۱۱ انتخابات مجلس ۱۳ تهمین) در صورتیکه لازم شد، وزارت کشور مجاز است از کاندیدای مجلس شورای اسلامی انکتست جگاری کند. بار طبق همین قانون ارتجاعی و برای محکم کاری، انقلابیونی که فعالیت سازمانهای آنها از طرف حکومت فرقاوسی اعلام شده است از کاندیداتوری مجلس محروم اند. در واقع این انقلابیون از حق زندگی کردن هم محرومند چه رسد به شرکت در انتخابات.

گفتار و فتاوی گذشته رهبران جمهوری اسلامی بویژه آیت الله خمینی را به خاطر آوردند. آنها استقرار "حکومت عدل علی" و نظام قسط اسلامی" و "برجیدن بساط ظلم و جور" را در قانون اساسی و خطبه ها وعده داده بودند. گفته بودند دستهای بنمسته سد مالکیت است. کارگران ستون انقلاب، انقلاب کار کوچ بستان بوه است و تمام مملکت متعلق به آنهاست. بارها گفته اند دشمن اصلی "اسلام" و مستضعفان "بطلان بزرگ" آمریکا است و همه فلبها و تنگها باید به سوی او تشنه روند. اما، حالا میگویند ثوروی بدتر از آمریکاست. بازار

"استخوانه انقلاب" است. معادله اموال و املاک طاغوتیان خلاف شرم است. بدین ترتیب آنها فتوای گذشته خودرا اشتباه دانسته و گفتار و وعده های سابق را پس گرفته و برینا گذاشته اند.

رهبران جمهوری اسلامی به جبران مافات، خادم بازار گفته اند. نه تنها از "تجارت محترم" دلجویی می کنند، بلکه آنها را به ابتادگی و مقاومت در برابر انقلاب تویق میمایند. از آنها میخواهند که در راه نفع کردن نام و تمام ارکان قدرت یک قدم هم عقب نشینی نکنند. برای درک منظور، برای آشنایی بیشتر با مقمود رهبران جمهوری از آزادی "انتخابات" به حبان سیارگویای آیت الله خمینی خطاب به عکسرا ولادی و معتمدان بازار میتوان اشاره کرد که میگوید: "اگر بنا باشد کنار برویم من باید کنار بروم... البته اینطور نیست که کسی نتواند به شما و امثال شماوهین کند... به انتخابات توجه داشته باشید. در اول مشروطه، اصناف بازار و کلابسی دانسته... اگر در مجلس آینده یک قدم عقب نشینی کنیم، در آینده نزدیک ما را کنار خواهند گذاشت. باید قهر نکنیم و کوشش کنیم تا بازار نیز خودی بسیاری انتخابات، انجام را معرفی کند تا بعد مقید کسی باشد که هرچه را عده ای تشخیص دادند همان را عمل کنیم بازار اخبارین دست خودی است شما بازاربها را بیدار کنید تا در تهران و سایر جاها اشخاص خوشی به

مجلس با آوردن تا مجلس آینده از مجلس فعلی بهتر باشد". (آیت الله خمینی ۱۳ دی)

بدین ترتیب، راس هرم حاکمیت، بزار بازار را از بستنایی قاطع خود مطمئن بزرگ ایران را متکفل کند. و سازمان یافته در انتخابات شرکت نمایند و با معرفی کاندیدهای خود مجلس را فضا کنند، "تا مجلس آینده از مجلس فعلی بهتر" باشد. رهبری جمهوری اسلامی آشکارا میگوید کسانی که قصد دارند زیاده طلبی "تجارت محترم" را اندکی مهار کنند خود وی طرف هستند.

در اجرای رهنمود آیت الله خمینی، تجار محترم بازار، این "استخوانه های انقلاب" در کسوت "جامعه انجمن های اسلامی بازار و اصناف تهران" یا تشکیل "دفتر مرکزی انتخاباتی بازار و اصناف" در تهران و دفاتر مشابه در استانها و شهرستانها فعالیت جدید انتخاباتی خودرا رسماً آغاز کرده اند. دفتر مرکزی مطابق اعلامه زیر که در مطبوعات چاپ رسید فعالیت خودرا شروع کرد: "از بازاربانان و اصناف سراسر کشور تقاضا میشود که باکتاب نظر اشعه جمعه و روحانیت منطقه اسرار یافتند را تعیین و در اسرع وقت همراه با مشخصات کامل به این دفتر و دفاتر مشابه در استانها و هیئت های معرفی نمایند... تا بزار بررسی های لازم و تمایز با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت بازار تهران و حزب جمهوری اسلامی، فعالیت لازم انتخاباتی، در اجرای فرمان مبارک امام انجام خواهد شد." (گهیاب ۱۹ دی) بدین ترتیب کاری که قرار بود آقای کسی انجام دهد، اینک "تجارت محترم" رسماً و در هماهنگی با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و روحانیت بازار تهران به رهبری آیت الله خمینی و حزب جمهوری اسلامی برهبری خامنه ای و با حمایت قاطع رهبر جمهوری اسلامی عهده گرفته اند و در انتخابات جاری از آزادی عمل تام و تمایز برخوردارند.

وفتی که بازار بکه تاز میدان انتخابات است، وقتی که با حمایت آیت الله خمینی، مهار انتخابات باصطلاح آزاد بدست "دفاتر انتخاباتی بازار و اصناف" می افتد، شبح انتخابات از قبل روشن است. مجلس دستبخت آنها معلوم است که مجلسی است و جانب کی ها را می گیرد. آنها چیزی که به نفع مردم باشد تصویب نمیشود، تا با مخالفت شورای "گهیاب قانون اساسی" مواجه شود. مجلس آینده، مجلس نمایندگان مردم نیست مجلس تجار بازار و عرکای آنان است.

شبهه در صفحه ۱۰

دست سرمایه داران باید از تجارت خارجی کوتاه شود!

پنجمه از صفحه ۲

فدائیان خلق و ...

اساسی . اگر فرار بود انزادی را غلبت اعمال خلاف قانون تحت تیغ فرار دهند ، اولن کسانی که باید دستگیر و ساطاتان بر حیده بود همین مقامات قضایی و در رأس همه ، همین آقایان دانشان هستند . آقای دانشان اضافه کرده است : "خودشان را نباید معرفی کنند ."

این نگرده فاشیستی که در مورد رفقای توده ای ، ما نیز نیکار گرفته شده است ، آنکارترس و خادبرس طوه خوسری ، ولستاد و حشانه است که این آقایان بر کشور حاکم کرده اند . نه طبق قانون اساسی مشروطه و نه طبق قانون اساسی کنونی و نه طبق اعلامیه حقوق بشر و نه طبق هیچ میثاق بین المللی دیگری ، کسی حق ندارد اعضاء و هواداران یک سازمان سیاسی را صرف عضویت در آن سازمان و یا بحرم هواداری از آن تحت تیغ فرار دهد و یا تکلیفی بر عهده آنان نگذارد . قانون اساسی در مورد احزاب ، جمعیت ها و انجمنهای سیاسی تصریح میکند :

"هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع و یا به شرکت در آنها مجبور کرد ."

نه بر پایه قانون دست و پاکنه "احزاب" محبوب مجلس شورای اسلامی ، و نه بر اساس هیچ قانون دیگری هیچکس حق ندارد تنهوه اعضاء و هواداران احزاب سیاسی را تحت تیغ فرار دهد و یا آنها را مطلق کند که به مراجع انتظامی و قضایی مراجعه کنند . صدور چنین احکامی خاص بیرون وسطی و دوران تقشیش عقاید است . تردید نباید داشت که فردا برآمد توده ای ، صادر کنندگان اینگونه احکام فاشیستی را بعنوان مرتکبان جرائم جنایی به پیش میز محاکمه خواهد گشاند و قطعا مجازات تابنده ایشان را هم اعمال خواهد کرد .

بعلاوه نیک پیداست که چگونه مسئولان قضایی کشور از آن حکم کدایی چافشایی ساخته اند برای پاکسازی صفوف نیروهای مسلح از تمامی عناصر میهن پرست و مردمی . آنها اکنون درست همان روال رژیم شاه را در پیش گرفته اند . نعل از انقلاب طبق قانون سیاه مصوب ۱۳۱۵ دادگاه های ارتش جلیلی بی برده و صریح ، صاحبان "افکار و عقاید انقلابی" را به نه بهانه "عضویت در دسته و جمعیت یا مرام و رویه اجترایی سیاسی ضد سلطنتی" محکوم میگردند .

البته این ، هرگز یک اقدام تازه . از جانب حکومت محسوب نمیشود . اکنون بیش از دو سال است که هرکجا که دشمنان رسیده کادرها و فعالین سازمان را دستگیر کرده و به زندان انداخته اند . طی یک سال اخیر سازمان ما به تنها از کمترین امکانات فعالیت علنی و قانونی محروم بوده است ، بلکه حکومت اوین تا پیش کردن بیجیده ترین دانهای تعقیب و مراقبت و توزه های پلیسی ، که مطابق آخرین تکنیک ها و تجارت باواک بهین شده بودند تلاش کرده است رهبری سازمان را بدام اندازد و سازمان را بکوبد . توطئه ای که صرفا در برتو حمایت عسلی مردم از فدائیان و در برتو خاساری و هوشیاری اعضاء و هواداران سازمان خشی شد و نتایج مورد نظر رژیم را ناسمین نکرد . اینها باید افزود اعمال فشار بر خانواده ها ، بستگان مسئولین سازمان برای یافتن آنان و از همه فصیحتر اعمال شکنجه و زجر طولانی روی برخی از کادرها و مسئولین سازمان که بیش از دو سال پیش بطور غیرقانونی و خودسرانه در بازداشت به گروگان نگاه داشته شده اند . بدین ترتیب مشاهده می شود که حکومت فقط از آنجا که خط مشی سرکوب اعلان نشده سازمان ، نتایج مطلوب را نیار نیاورده است خود را محبور میداند که رسوا و غلبانقه خود

برای سرکوب سازمان را علنی کند . همه این واقعیات ، نشان میدهند که مقصد اصلی هیئت حاکمه سرکوب فدائیان خلق به مناسبت یک نیروی انقلابی است و دانشان "تکلیلات نظامی محلی" صرفا دروغی مضمک و حربه کند و از کار افتاده و غم انگیزی است که بهانه سرکوب فرار گرفته است .

توطئه فاش می شود

حدود یکسال پیش ، به هنگام دستگیری رهبران حزب توده ایران ، روزنامه هشتاد حکومتی وقتحانه نوشتند "غده ای جاسوس دستگیر شد" . بعدها اتهام "دانش صلاح و "راندازی" را هم به آن اضافه کردند . و توطئه اعلام انحلال حزب و غیرقانونی شدن آن را به اجرا گذاشتند .

اکنون بنوه همین توطئه را علیه سازمان فدائیان خلق میخواهند به اجرا بگذارند . این توطئه شان میدهد که مسئله مرکزی همان سرکوب و نابودی جنبه میهن پرستان و انقلابیون واقعی است . البته و مایل رسیدن به این هدف نوم راهم حساب شده انتخاب کرده اند . دروغ پراکنسی درباره ، جاسوسی دقیقا با هدف تحریک مناسبات ایران و ثوروی و محروم کردن انقلاب ایران از نیرومندترین بستگان آن در عرصه بین المللی طراحی شده بود . برتو "راندازی" و "تکلیلات نظامی محلی" سر ، بدین خاطر انتخاب شده که وجود هر بنوع روحیه و فعالیت انقلابی را هم ، همراه با کوبیدن سازمانهای انقلابی کوبند و نابود کنند . نباید فراموش کرد که به اصطلاح "پاکسازی" نیروهای مسلح برای حکومت ، در عین حال خود یک هدف بسیار خاص و مهم است . هدفی که خود جزئی از هدف نوم حکومت یعنی توطئه برای نابودی نیروهای انقلابی میهن پرست و انقلابیون اصیل کشور است . هدف نومی که دستیابی به آن نیازمند و مایل ثوروی است . طلاق دروغ و حسانت ، همراه با سو استفاده از احساسات پاک مذهبی مردم و ساطیلی هستند که این حکومت برای رسیدن به هدف نوم خود ، از آن بهره گرفته است . بر بنده بازی اخیر علیه فدائیان خلق ، بار دیگر نشان داد که رانترگرایان حاکم با هر فکر و اندیشه و نیروی ترقی خواه چه مارکسیستی ، جدالانی و غیرالامی دشمنی کینه تورا نه دارند . وقتی موج تعقیب و ترور و سرکوب و احتیاق و شکنجه و زندان و اعدام دستگیر همه نیروهای ترقی خواه ، اعم از مارکسیست و دمکراتها و ملی گرایان واقعی و سلیمانان انقلابی ، دانستیم همه تذکراتی که در آن ترتیبخواه شود دیگر هیچ جایی برای توجیه جهان به ادعاهای حکومت درباره این با آن نیروی انقلابی باقی نخواهد ماند . از حکومتی که زمین را از دهقان پس میگیرد ، کارخانه را به طاغوتیان بازمیگرداند ، قانون کسار آنجنایی تدوین می کند ، تجارت با زار را ستون انقلاب می داند ، از حکومتی که جنگ ارتجاعی را دامن میزند ، حکومتی که سیاست ضد ثوروی و راه حفظ وابستگی کشور به غرب را در پیش گرفته است ، جز دشمنی با انقلابیون چه می توان انتظار داشت ؟ گناه افشایان میهن پرست و فعالین حزب توده ایران نیز از نظر مقامات حکومتی فقط خدمات شایان توجه آنان به میهن خویش و به مردم و انقلاب است . صدور ۱۳ حکم اعدام برای ایران انقلابی و میهن پرست فقط و فقط پاداش همین خدمات آنهاست . اینها حقایقی است که پیش چشم ما کشیده شده است . ادعاهای دانشان ، علیه سازمان ما هم ، در واقع حکم به برانند دیگری است برای تمام نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی ایران که قبل از این از جانب این حکومت مورد اتهام قرار گرفته اند . دستگیری حکومت و سیاستهای آن خود بارزترین دلیل هجوم به دانشان است . راهی که این حکومت در پیش گرفته خود بهترین سند افکار توطئه

حکومت علیه ما و توطئه علیه ما ، افشاگر نیام اتهامات و ادعاهای بوج و بی اساس آن علیه همه نیروهای انقلابی کشور است .

وظائف امروز و فردا

عاجل ترین وظیفه انقلابی امروز است که اهداف صدمردمی و ضد امپریالیستی و ضدیت حاکمه از بر بنده تاریخهای اخیر علیه انسان میهن پرست و محاکمات آنان هر چه وسیعتر بر ملا گردد و نشان داده شود که قصد واقعی حکومت از این دادگاههای نظامی و احکام اعدام و زندان کدام است ؟ باید اعتراض عمومی علیه این حسابات راهم در سطح کشور هم در سطح جهانی هر چه بیشتر گسترش داد . باید از تمامی اشکال مبارزه و همه امکانات برای انجام این وظیفه بهره گرفت .

باید نشان داد که حکم مقامات قضایی ، دایر بر الزام اعضاء و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران و حزب توده ایران به مراجعه به مقامات انتظامی و معرفی خود ، دستور کلی خودسرانه ، غیرقانونی و حسابکارانه است ، باید موج اعتراض علیه این خودکامگی بیسرمانه را هر چه بیشتر گسترش داد . باید این توطئه را تا تکلیفی مفتضحانه مواج ساخت . فدائیان خلق در طول ۱۳ سال حیات انقلابی خود همیشه روشی استنادی و تسلیم ناپذیری در برانستار دشمنان خلق و جاسازی و فداکاری در راه خلق بوده اند . امروز از آنان خواستیم میشود که ترف انقلابی خود را نگذارند ، برای روربه ها و جری ها بستند و راه مردم را ترک گویند . فدائیان خلق و همه نیروهای مردمی امیل نشان میدهند که سرافراشته خواهند ماند و سیمای قهرمانان را سرمشق کار و زندگی خویش قرار خواهند داد .

پاکسازی صفوف نیروهای مسلح ، از هر نوع فکر و اندیشه انقلابی و ساجن ارتش جدا از مردم و سیکانه با انقلاب برای حکومت اکنون یک هدف استراتژیکی است . بوده نظامیان یعنی از توده های میلیونی طبقه ، هیچ نیرویی قادر نیست از نفوذ و گسترش اندیشه انقلابی ، مردمی و میهن پرستانه در صفوف نیروهای مسلح جلوگیری کند . فکر و فعالیت انقلابی در هر حال غرض ارتش و سپاه را هم درخواهد آوردید . تعدید سلطه ارتجاع در صفوف نیروهای مسلح ضرورت حفظ و تقای مدافعان مردم و میهن را در صفوف نیروهای مسلح بیشتر از پیش برشته ساخته است . امروز یعنی از جوانان پرورش یافته در آشوب انقلاب ، یعنی از جوانان آگاه ، غرضه نیروهای مسلح را بعنوان غرض کارورندگی آینده خود انتخاب می کنند . آنها و همه عناصر مردمی و انقلابی در صفوف نیروهای مسلح ، باید توطئه تعقیب و اخراج و سرکوب خود را به هر شکل ممکن خشی کنند .

با ایمان

رفقا و دوستان عزیز ! در کار ما آنچه ثابت نیست و دائمی تغییر میکنند اشکال و شیوه های مبارزه است ، هسدف و راه ما همواره و با قدرتی روز افزون باید ادامه یابد . ما روزهای بسیار سختی را پشت سر گذاشته ایم و برای فرداهای شترار از آزادی و کومانی" این روزهای سختی و ایثار راهم ، بیروزمندان به پشت سر خواهیم گذاشت ، تهیه و انتشار و توزیع کارمظهر آشکار ، صداقت و حقاقت فدائی خلق در همه وجوه آن میثاق جاودانه است که با خلق خویش بسته است . ما در راه استقلال و دمکراسی ، در راه صلح و سوسیالیسم میرویم ، ما به پیروزی این راه و آرمانها که برگزیده ایم ایمان داریم . و با ایمان به پیروزی راهمان پیش میرویم .

پنجمه از صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

احکام جنایتکارانه علیه افسران میهن پرست را محکوم می کنیم!

سزای محکوم، پس از صحنه سازی های فریبکارانه و شتمزکننده هیئت حاکمه، محاکمات افسران میهن پرست و برخی فعالین حزب توده ایران پایان یافت و آراء صادره اعلام شد. در بنیادگاه برای ۱۳ نفر حکم اعدام، برای ۶ نفر حبس ابد و برای دهها نفر دیگر حبس های سنگینی صادر شده است.

گناه اصلی این افسران، دفاع فدائیکارانه از انقلاب، جانباوری در دفاع از میهن و ایفای نقش فعال به سود مردم در مقابله ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده است. دادگاههای شرع برای افسرانی حکم مرگ صادر کرده اند که در میان توده سربازان و درجه داران ارتش محبوب بودند. چراکه ما دفاع در راه دگرگون ساختن چهره کریه ارتش شاه، تلاش میورزیده اند.

افسرانی که امروز به پای میز محاکمه کشیده شدند، کسانی هستند که دیروز مورد تجلیل قرار گرفته و اکثرشان ترفیع دریافت کرده اند. آیت الله خمینی قتلگفته است که سرمایه داران و ملاکین غارتگر و شتمکار را به پای میز محاکمه خواهد کشید. تاجق مستمعان را از آنان بازماند. آیا ایشان امروز با این محاکمات، به همان وعده ها عمل کرده است؟ آیا رهبران جمهوری اسلامی هنوز به وعده های شیرینی که به مردم دادند، وفادارند؟ مردم شرافتمند و زحمتکش میهن ما امروز با چشمان خود می بینند که

رهبرانی که با رای اعتماد آنان به قدرت رسیده اند، به جای درمان دردهای نیکران زحمتکشان، جانبدار غارتگر بازارملاکین غارتگر را گرفته به جای جانشین به میهن و خلق، میهن پرستان و مدافعان واقعی مردم زحمتکش را به پای میز محاکمه کشیده و سرکوب می کنند.

دستگیری و شکنجه و محاکمه و صدور احکام ظالمانه، برای افسران میهن دوست و فعالین حزب توده ایران، به هیچ وجه ربطی با اتهامات و پرونده ساریهای کثیف و بی شرمانه، مسئولان قضائی کشور، علیه آنان ندارد. دلیل اصلی دستگیری و سرکوب میهن پرستان واقعی پشت کردن رهبری جمهوری اسلامی به مردم و تلاش حکومت برای جلب محبت امپریالیسم امریکا و احیای اعتماد آنست.

هدف اساسی حکومت، از این تالانگری های قرون وسطایی، همانا تنهی کردن کشور از فرزندان خلف خلق، از همه تیره و تارانی ترفیق خواه و آگاه و مبارز است. محافل ارتجاعی جمهوری اسلامی، که روز بروز سلطه خود را در کشور بیشتر تحکیم می کنند خط مشی نابودی همه انسانهای شریف و میهن دوست ما را در پیش گرفته اند. هجوم به حزب توده ایران در سال گذشته و پیگرد و تعقیب و شکار فدائیان خلق، که اکنون از سوی آنان به اجرا گذاشته شده است، همه

همه تنها همین هدف را دنبال می کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، مراتب تضرع و انزجار خود را از صدور این احکام جایزانه، غیرقانونی و خودسرانه اعلام کرده، آنها را مطلقاً بی اعتبار شناخته و قویاً محکوم می کند. ما از همه هم میهنان آگاه و مبارز دعوت میکنیم علیه این خودسری های حکومت اعتراض کنند و اجازه ندهند این ظلم و بیاداد و استبداد ادامه یابد. ما از همه نیروهای ترقی خواه در سراسر جهان دعوت می کنیم با پشتیبانی خود از میهن پرستان و آزادخواهان ایران، خلق ما را در این روزهای تیره و تاری که بر میهن ما می گذرد، تا به حد ممکن یاری دهند.

رسانه های فساد افراشته علیه ترور و اختناق علیه شکنجه و اعدام

پیروزی مبارزات حق طلبانه مردم ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بهمن ماه ۱۳۶۲

جمهوری اسلامی در ... نتیجه از صفحه ۷

را از خاک میهن بیرون راندند. اکنون بخاطر یارده گوشتی های جنون آسما و اجزایی های بی معنی جمهوری اسلامی حاضر نیستند جوانان خود و مردم عراق را به کشتن بدهند.



برآیند کارنامه جمهوری اسلامی ایران در پنجمین سال انقلاب جوهر چرکین سیاست حاکم را نمایان میدهد. این سیاست عدالت اجتماعی را اساساً نفی میکند و میبندد استثمار و غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی است. این سیاست همه دستاوردهای انقلاب، در زمینه آزادیهای بنیادی را به شکل فاشیستی نابود کرده است. این سیاست در سمت نابودی دستاوردهای انقلاب در زمینه تامین استقلال ملی سیر میکند.

امروز در حکومت جنبه ای که توان آن را داشته باشد که این سنگبازی را در دگرگون کند وجود ندارد. اما در ایران ما، نیروی لازم برای نبرد پیروزمندان علیه این سیاست و سردمداران آن وجود دارد. حکومت نیز در تبلیغات خویش میگوید تصویری از یک حاکمیت مطلقاً یکسخت و عاری از تضاد و همبسته و استوار از خود، در ذهن مردم ترسیم کند.

رهبری جمهوری اسلامی درست به همان میزان که سیاستهای خلاف منافع مردم، در پیش گرفته و به مردم پشت کرده و از آنان دور شده است، مردم را نسبت به خویش بی اعتماد کرده، از خود دور نموده و در برابر خود قرار داده است. و بدینگونه تیشه خشم و مبارزه مردم را بر ریشه خود

کوبیده و میکود. مردم ایران، مردمی که در تمام طول تاریخ معاصر لاینقطع علیه استبداد و استثمار و ستم طبقاتی مبارزه کرده اند با انسون و جادو و خفیان و سرکوب راه خود را رها نمیکنند. مردم سفره خالی

و زندگی دشوار خود را میسپند، میبندند که شهرشان آباد و کشورشان آزاد نیست. تصمیم چنین مردمی، همواره علیه سناستهای راست و ضد مردمی و سردمداران آن است. این تصمیم سزای محکوم پیروز است.

درست کنند. آنها برای دستیابی به این هدف، خود را آماده مبارزه میسازند که سزای محکوم و تسهید و با سو استفاده از عقاید مذهبی و با توسل به تقلب های انتخاباتی به لیست تحمیلی خود، رنگ انتخاباتی بزنند. بر واضح است که چنین انتخاباتی، فرمایشی و مخدوش و فاقد کوچکترین اعتبار قانونی است.

در این شرایط، تنها راهی که حکومت در برابر مردم نهاده است، راه مبارزه با آن است. باید علیه اقدامات خودسرانه حکومت و شرایط خفقان آور انتخابات مبارزه کرد. باید حقایق را به اطلاع همگان رساند و اهداف واقعی حکومت را از این باطن آش "انتخابات" افشاء کرد. سازمان فدائیان خلق ایران و حزب توده ایران از این انتخابات و نتایج آن ارزیابی واحدی ارائه میدهند. آنان سیاست و منی واحدی را دنبال میکنند و از سایر نیروها هم دعوت میکنند که به این سیاست و منی بپیوندند. ما بر اساس این سیاست، و به حکم مسئولیت هایی که در برابر مردم داریم در راه انجام این مسئولیت، از مردم مبارز ایران دعوت میکنیم که در انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی "به فهرست نامزدهای ارائه شده از طرف نهادهای وابسته به حکومت جمهوری اسلامی و سازمانهای مربوطه به آنها رای مخالف دهند."

نتیجه از صفحه ۸

"انتخابات آزاد" یا ...

از نظر حکومت مجلس آینده باید با تصویب قوانین ضروری شرایطی فراهم کند تا هرگز که از کارگز و دهقان و زحمتکش حرف نزنند و با علیه جنگ کثیف کنونی مبارزه کند، با علیه احکام فاشیستی دادگاههای شرع اعتراض نماید فوراً او را بعنوان فدائی، توده ای، مجاهد، ملحد و محارب دستگیر و با روشهای جوانی تحت پیگرد و شکنجه قرار دهد. خلاصه، هدف رهبران حکومت از نمایش انتخاباتی کنونی تحمیل آنچنان مجلسی به کشور است که فقط "تکبیر گو" باشد. و از آن هیچ صدایی به گوش نرسد، مگر: "صحيح است، اصحت"

براین اساس رهبران حکومت به تنها از شرکت سازمان فدائیان خلق ایران و حزب توده ایران و سازمانها و اجمن های ملی و مترقی جلوگیری میکنند، بلکه تلاش دارند از کاندیداتوری و نمایندگی مجدد آن عده از نمایندگان کنونی که با سیاست و سنت گیری حکومت مخالفند و از تریبون مجلس علیه آن و سود مردم انتقادهایی میکردند، جلوگیری کنند. آنها میخواهند لیستی از نمایندگان "بله گوی" مورد اطمینان و مدافع حکومت

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت سیزدهمین سالگرد بنیان‌گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای عزیز!

سیزدهمین سالگرد پایه‌گذاری سازمان فدائیان خلق ایران را از صمیم قلب به شما تبریک می‌گویم. سازمان شما را در شرایطی برگزیده می‌کنیم که امپریالیسم و ارتجاع نابودی و ویرانی هر آنچه‌لاکمه مردمی و مترقی است و تیغه تامین‌سلطه غارتگرانه و استقلال‌تکانه خود در میهن ما قرار داده‌اند.

رفقای عزیز!

از آن‌روزی که آرزوهای پاک و انسانی بیگار بخاطر استقلال، آزادی و رفع ظلم و ستم و بیعدالتی اجتماعی شما را به جنگلهای انبوه شمال میهن ما گشاید تا آنجا که خود به قسمتی از دریای خروشان جنبش کمونیستی و کارگری میهن ما تبدیل شده‌اید، راهی دشوار، اما پرافتخار پیمای کردید.

رزم و بیگاریتان، رشاد و گسترش‌تان، وفاداری عمیق‌تان به آرمان‌های والای انسانی و به اهداف بزرگ ترقیخواهانه و مردمی‌جای بزرگی در صفوف پیشرو توده‌های زحمتکش و مترقی میهن ما و در انظار نیروهای مترقی دمکرات جهان به شما تخصیص داده است. انضباط‌پذیری، اصولیت و بیگیری شما در بیگار بخاطر دستیابی به اهداف سیاسی و اجتماعی به نفع استقلال میهن و نجات مردم زحمتکش‌خواب را بر دشمنان شما کنه دشمنان ما و همه مردم زحمتکش میهن دوست ما هستند، حرام کرده است.

امروز ارتجاع ایران با هم‌کاری و راهم‌کاری امپریالیسم و ارتجاع جهانی غدارانه ترین شیوه‌های پلیسی را بسرای قلح و تمع سازمانهای ما و سایر سازمانهای مردمی و مترقی و دمکراتیک بکار می‌برند. امپریالیسم و ارتجاع عملاً دست‌اندردست در جبهه واحدی، هر روز به سنگ‌های دیگر رزمندگان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی میهن ما می‌تازند. این هجوم ددمنشانه، غیرقانونی و انقلاب‌برسازنده روز بروز گسترش و عمق بیشتری می‌یابد. ارتجاع و عوام‌ل امپریالیسم که میزان قدرت و عظمت‌اراده، خلقهای بی‌اخته و مصمم میهن ما را از نزدیک دیدند و لمس کردند، اینک با تمام نیروی خودکمر بسته نابودی همه ستون‌ها و ارکان جنبش مردمی و انقلاب‌تکومند میهن ما بسته‌اند. آنها تلاش دارند که نتوانی خود را در لحظات اوج خیزش‌امواج انقلاب حیران‌کننده،

تلاش دارند که آن آتش‌سوزنده ای را که خرمن سرسلطه ظلم و خیانت را نوزاند و میرفت که دیگر حلقه‌های این زنجیر خیانت و ظلم را در کشور نابود کند، خاموش سازند.

با حربه دروغ، ربا و عوام‌فریبی و شکنجه به مردمی ترین و مبارزترین و پیشروترین نیروهای انقلابی میهن ما می‌تازند تا آنها را بدنام، منزوی، ضعیف و نابود سازند. یورش سیمانه امپریالیسم و ارتجاع دقیقاً حساب شده و متناسب با اهدافی است، که برای برگرداندن همه آنها به آسیاب دوران سلطه بی‌چون و چرای زور و زورواستگی تمام و شمام به امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم امریکایی لازم میدانند.

این مبارزه، درخشان سازمان‌های ما طی سالهای طولانی پیدار بخاطر استقلال و تمامیت ارضی و آزادی و تامین حقوق عادلانه اجتماعی و سیاسی برای زحمتکشان میهن ما است که آماج حملات خصمگین و سیمانه امپریالیسم و ارتجاع قرار گرفته است.

همسنگی عظیم و نیرومند جنبش کمونیستی و کارگری و پیشاپیش آن حزب پرافتخار لنین و سایر نیروهای مترقی و دمکرات و انسانهای شریف در سرتاسر جهان داغ تنگ و رسوایی بر بیثباتی پردازندگان باطلیل سیاسیافته‌ان فرو گویند. مردم ایران نه در دوران قلدری شاه دست‌شده امپریالیسم امریکایی در دوران عوام‌فریبان مردمی استقرار "عدل آسمانی" در تشخیص خود نسبت به سازمان‌های ما دچار سردرگمی شده و نخواهند شد. بیگردها، بازداشتها، شکنجه‌ها، شوهای تلویزیونی، زندان‌های طولانی و اعدامها هیچیک قادر نیست که بر حقانیت سازمانهای پرافتخار ما سایه بیفکند. فرزندان حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هم چنان با سربلندی و افتخار، با پایمردی و استواری، مصمم به دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما هستند.

رفقای عزیز!

هیچ نیرویی قادر نیست به اتحاد خلقی ناپذیر ما خدشهای وارد آورد و اطمینان داریم که پایه استوار آیدولوژی ما مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و میهن‌دوستی بی‌شائبه و وفاداری عمیق به اهداف زحمتکشان میهن این بار نیز

یورش بربرمنشانه دشمنان انقلاب را، سازمانهای ما با مقاومتی درخور نام و اهداف خود از سر خواهند گذراند و دشمنان استقلال و آزادی میهن را ناکام خواهند ساخت.

سازمانهای ما آن آگاهی، اراده و نیرو را در خود می‌بینند که دوش به دوش همه نیروهای مترقی و میهن‌دوست در جبهه متحد خلق، دفاع از دستاوردهای انقلاب را خانه عمل می‌یوشانند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر این سالروز پرافتخار را به شما هم‌رزمستانان ارجمند صمیمانه تبریک می‌گوید.

بهر روز باد سازمان برادر ما سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بهمن ماه ۱۳۶۲

پیام تبریک کمیته مرکزی سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۲ - از صفحه ۱۲

بیروزی بزرگ بلنوم می‌دهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در آن است که اکنون همه توده‌ایها موفق گردیده‌اند با حلقه زدن گرداگرد کمیته مرکزی و تحت رهبری هیئت سیاسی و هیئت دبیران، طبق رهنمودهای آن رزم انقلابی خود را برای خدمت بی‌شائبه به میهن خویش و مردم زحمتکش کشور در راه بنای ایرانی آزاد و مستقل و دمکراتیک بازهم گسترش دهند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران بار دیگر این موفقیت بزرگ را به کمیته مرکزی حزب توده ایران، به همه رفقای توده‌ای و همه انقلابیون راستین میهن تبریک می‌گوید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دیماه ۱۳۶۲

پیام تبریک کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت برگزاری موفقیت آمیز هیجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی!

با پرشورترین دروهای رفیقانه برگزاری پیروزمندانانه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران را شادمانی می‌گوئیم.

در شرایطی که کین تیزترین دشمنان ما، برای نابودی حزب توده ایران دیوانه‌وار نعره می‌کشند، در شرایطی که عمال امپریالیسم و ارتجاع تمام نیروی اهریمنی خود را برای کوبیدن پیگیرترین میهن پرستان بکار گرفته‌اند، درست در زمانی که بیدارگامهای سپاه جمهوری اسلامی گروهی از اعضای حزب توده ایران و افسران انقلابی و میهن پرست را به "جرم خدمت به میهن، انقلاب و مردم" محاکمه می‌کنند، در اوج تهاجمات فاشیستی و ضدبشری حکومت علیه حزب توده ایران، بدون تردید برگزاری پلنوم هجدهم باسخی کوبنده و شجاعانه به تمامی این تلاشهاست.

رهبران جمهوری اسلامی، که به مردم پشت کرده‌اند، تلاش دارند تا همه نیروهای ترقیخواه کشور را به خشن‌ترین شیوه‌های کین سرکوب کنند. آنها که راه نزدیکی به غرب را می‌پیمایند و از غارتگری سرمایه داران و ظلم بزرگ مالکان دفاع میکنند، در طی سال گذشته همه حربه‌های جنمی خود را از زندان، شکنجه و اعدام، دروغ، فریب و نیرنگ و هرآنچه در توان داشتند بکار بستند تا حزب توده ایران -

سنگر مقدم دفاع از انقلاب - را نابودکنند، برگزاری پیروزمندانانه و شمر بخش پلنوم هجدهم بار دیگر ثابت کرد که آنان که خواب نابودی حزب توده ایران را می‌بینند بیپرده دوران شادمانی خود را طولانی پنداشته‌اند.

نقش و تاثیر پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران نه تنها در زندگی حزب بلکه در تمام تاریخ و در مبارزات خلق ما بیادگار خواهد ماند چراکه برگزاری این پلنوم در حقیقت شکست توطئه‌های خطرناک امپریالیستی و ارتجاعی برای نابودی حزب توده ایران - حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران - است.

حزب توده ایران، حزب توده‌های زحمتکش مردم ایران است، و از آرمانهای مردم و انقلاب پاسداری می‌کند. کین تیزترین دشمنان خلق ما، کینه تیزترین دشمنان حزب شما بشمار می‌روند. به همین دلیل است که برای آنانکه بتوانند انقلاب را نابود کنند، راه سرکوب و حقپاره حزب توده ایران را در پیش گرفته‌اند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اطمینان دارد راهی که حزب توده ایران طی نمیکند، راهی که راه مشترکمانه راهی که آرزو و خواست و آرمان همه زحمتکشان و انقلابیون راستین میهن ماست، با استواری و قاطعیت ادامه می‌یابد و به پیروزی دست خواهد یافت.

بقیه در صفحه ۱۱

تلگرام تسلیت کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت درگذشت مبارز خستگی ناپذیر راه صلح و سوسیالیسم رفیق یوری ولادیمیروویچ آندروویچ

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران تأثیر و تأسف عمیق خود را از درگذشت رفیق یوری ولادیمیروویچ آندروویچ دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رفیسه شورای عالی اتحاد شوروی، ابراز میدارد.

مبارزه پیگیر در راه حفظ صلح جهانی، تلاش خلاقانه برای تعالی سطح رفاه و بهروزی خلق شوروی و کوشش در راه تحکیم همبستگی خلقها در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، کارنامه برجسته زندگی پربار او است. هم از این روست که فقدان رفیق آندروویچ،

ادامه دهنده راه لنین کبیر برای بشریت طایفه ای سنگین است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، درگذشت رفیق یوری ولادیمیروویچ آندروویچ را به کمیته مرکزی حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی تسلیت می‌گوید و اطمینان دارد که آرمانهای عمیق انسانی و ترقیخواهانه او همچنان به پیش خواهد رفت.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۳ بهمن ماه ۱۳۴۲

آدمی با سرافراشته باید بزید
و سرافراشته باید میرد
و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش
و امید در ره آزادی خلق
همه هستی خویش

گرامی باد یاد شهدای اسفند!
فدائیان خلق:

- محمد احمدزاده هروی
- سعید احمدزاده هروی
- بهروز آخوندی
- جعفر اردبیلچی
- علی‌نقی آرش
- سعید آریان
- بهمن آژنگ
- سنام امیری دوان
- نجسی امین نیا
- حلال انفرادی
- هادی بنده خدا لنگرودی
- سنا سیزن زاده
- محمدعلی شفی زاده
- عبدالکریم حاجیان به پله
- محسنی خرم آبادی
- عباس دانش سهرادی
- ناصر صفی دلیل صفایی
- محمد ربیعی
- اکندر رحیمی سبحی
- حسن سرکاری
- مهدی سوالونی
- سیدکاظم شهیدی ثالث
- علی‌اکبر صفایی فراهانی
- علی‌اصغر عرب‌هریسی
- اسماعیل علی پناه
- هادی فاضلی
- احمد نرهمک
- ستار فلکی تبریزی
- عبدالرما کلانتر نیستانی
- غلامرضا کلسوی
- علی سرادی
- محمدعلی محدث نندچی
- شجاع‌الدین سیری
- اسماعیل معینی عراقی
- ابدالله مفتاحی
- عباسی مفتاحی
- اکبر موحد
- علیرضا نادل
- هوتک سوری

پرهرو باد راهشان،
جاودان یادشان